

تأثیر اندیشکده‌های امریکایی بر سیاست خارجی دولت ترامپ در قبال حضور منطقه‌ای ایران

سید حامد موسوی^۱

سلمان رضوی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷

نشریه علمی آفاق امنیت / سال سیزدهم / شماره چهل و هشتم - پاییز ۱۳۹۹

چکیده

اندیشکده‌ها در امریکا در کنار رسانه‌ها به قوه چهارم معروف هستند. این اندیشکده‌ها با برخورداری از کارشناسانی نخبه و صاحب‌تجربه در امور سیاست‌گذاری، با نفوذ و تأثیر فزاینده‌ای که بر تعیین دستورکار سیاست‌ها، به‌ویژه سیاست خارجی دارند، به یکی از متغیرهای تأثیرگذار در تصمیم‌گیری این دولت تبدیل شده‌اند. یکی از حوزه‌های موردعلاقه این اندیشکده‌ها، سیاست خارجی غرب‌آسیای امریکا است که طی چند دهه گذشته و با وقوع تحولاتی چون انقلاب اسلامی ایران، شکل‌گیری جبهه مقاومت و تقویت گروه‌های مبارز در مقابل رژیم صهیونیستی، از اولویت بالایی برخوردار شده‌اند. سیاست‌های منطقه‌ای یا به‌تعبیر این اندیشکده‌ها، نفوذ منطقه‌ای ایران در حال حاضر به مسئله‌ای تبدیل شده که اندیشکده‌های امریکایی با ارائه راهکارهای گوناگون درصدد کنترل و محدودسازی آن هستند؛ به این ترتیب، سؤال اصلی مقاله عبارت است از: اندیشکده‌های امریکایی چه سیاست‌هایی را در قبال نقش منطقه‌ای ایران پیشنهاد نموده‌اند و چه تأثیری بر سیاست خارجی این کشور داشته‌اند؟ و فرضیه پیشنهادی این است که تعدادی از اندیشکده‌های امریکایی در قبال فعالیت‌های منطقه‌ای ایران سیاست تعامل با ایران را پیشنهاد می‌کنند، اما عمدتاً خواهان اتخاذ سیاست مهار بوده‌اند؛ ضمن اینکه سیاست تغییر رژیم ایران نیز در میان برخی از نویسندگان اندیشکده‌های امریکایی طرفدارانی دارد. پژوهش حاضر به‌روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی

اندیشکده‌های امریکایی؛ سیاست خارجی امریکا؛ دولت ترامپ؛ نقش منطقه‌ای ایران

hamedmousavi@ut.ac.ir

salman.razavi@ut.ac.ir

۱. استادیار رشته مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات امریکا

مقدمه

هرچند سیاست‌های یک کشور را اهداف و منافع ملی آن تعیین می‌کنند، اما نخبگان سیاسی و متخصصین فعال در حوزه سیاست خارجی از جمله کارشناسان اندیشکده‌های این حوزه، نقش مهمی در تعریف اهداف و منافع ملی دارند. اندیشکده‌های سیاست خارجی در امریکا، هم‌زمان با تبدیل شدن این کشور به قدرت هژمونیک در امور جهانی و به موازات پیشرفت جنگ سرد شکوفا شدند. اندیشکده‌ها مثالی برای شکل جدید از تعامل بین تحقیقات علمی و عرصه سیاسی هستند. آنها داده‌های بسیار زیادی درباره دانش، واقعیت‌ها و اطلاعات ارائه و آنها را برای سیاست‌گذاران پالایش می‌کنند. به دلیل مشکلات روش‌شناختی، برقراری یک رابطه علت و معلولی بین پیشنهادها سیاست‌گذاری اندیشکده‌های مختلف و تصمیمات سیاست‌گذاران، دشوار است. با این حال، گرفتن نتایجی از نقش آنها در فرایند سیاسی از طریق نشان دادن درهم‌تنیدگی اندیشکده‌ها با سیاست‌مداران و عموم مردم، امکان‌پذیر است. اندیشکده‌ها با رقابت برای کسب قدرت و اعتبار در سطح محلی، ایالتی و ملی در امریکا، می‌کوشند بر افکار عمومی تأثیر بگذارند و سیاست‌های عمومی را شکل دهند.

اندیشکده‌ها که در امریکا در تصمیم‌سازی نقش مؤثری دارند، به لحاظ تعداد در دنیا مقام اول را به خود اختصاص می‌دهند. تعاریف متعددی از اندیشکده‌ها وجود دارد، از جمله: "خرده نظام‌هایی در حدفاصل بین حوزه‌های دانشگاهی، حکومتی و اجرایی هستند که از متخصصان، پژوهشگران، سیاست‌مداران و نخبگان تشکیل شده‌اند. اندیشکده‌ها دارای توانمندی‌ها و علایق عملی و نظری در یک یا چند رشته و قلمرو هستند و تلاش می‌کنند مبتنی بر دانش نظری و تجارب عملی موجود، ضمن پیش‌بینی مخاطرات پیش روی جوامع و نظام‌های اجتماعی که با مسئله بقای آنها ارتباط می‌یابد، راه‌حل‌ها و توصیه‌های کاربردی در جهت مواجهه بهینه با مسائل و پیچیدگی‌های مختلف پیش رو به مخاطبان و کارفرمایان خود ارائه دهند" (فتاحی، چهارده؛ ۱۳۹۸). آنان در قالب برگزاری سمینار و کنفرانس، انتشار کتاب و مقالات، حضور در جلسات کنگره، نگارش مطالب گوناگون در رسانه‌ها و روزنامه‌ها و برعهده گرفتن مناصب حکومتی توسط کارشناسان اندیشکده‌ها، به تأثیرگذاری بر ساختار تصمیم‌سازی امریکا می‌پردازند. سیاست خارجی و به‌ویژه سیاست خاورمیانه‌ای، همواره یکی از بخش‌های ثابت مطالعاتی - پژوهشی اندیشکده‌هایی در امریکا است که در عرصه سیاست بین‌الملل مشغول فعالیت است. در امریکا به اندیشکده‌ها در کنار رسانه‌ها "قوه چهارم" حاکمیت گفته می‌شود. قوه‌ای در کنار سه قوه دیگر (مقتنه، مجریه و قضائیه) که ساختار حاکمیت امریکا را می‌سازند (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۵۰). در



حال حاضر اندیشکده‌هایی چون بروکینگز، شورای روابط خارجی، رند، مؤسسه واشنگتن، امریکن اینترپرایز، بنیاد دفاع از دموکراسی (FDD)، جینسا، هریتیج و هادسون در حوزه خاورمیانه و مسئله سیاست‌های منطقه‌ای ایران صاحب آثار و مطالب متعددی هستند. آنان ضمن بررسی و تجزیه و تحلیل علل گسترش حضور منطقه‌ای ایران و تشریح هزینه‌ها و فرصت‌های این روند برای امریکا و رژیم صهیونیستی، پیشنهادات متعدد و گوناگونی را برای مقابله با آن ارائه می‌دهند. این پیشنهادات از یک سو شامل به رسمیت شناختن نقش منطقه‌ای ایران و مذاکره با هدف کنترل و مهار است و از سوی دیگر مواردی چون: حمایت از متحدین منطقه‌ای خود (رژیم صهیونیستی، عربستان، امارات و...) با هدف ایجاد ائتلافی منطقه‌ای و تحریم و محاصره تا حملات مستقیم نظامی علیه مراکز حساس و حیاتی ایران را در بر می‌گیرد.

بسیاری در امریکا معتقدند طی یک دهه اخیر و با شروع اعتراضات و درگیری‌های داخلی در سوریه و مخصوصاً پس از امضای برجام در سال ۱۳۹۴ «نفوذ منطقه‌ای» ایران افزایش یافته است؛ و لازم است امریکا با این روند مقابله کند. با روی کار آمدن دولت ترامپ نیز مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای ایران به عنوان یکی از اولویت‌های مهم امریکا در منطقه مطرح شده است. علاوه بر این مسئله مذکور، از مهم‌ترین دغدغه‌های برخی از مؤسسات و اندیشکده‌های پرنفوذ در امریکا مخصوصاً در حوزه سیاست خارجی است.

در این راستا سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: اندیشکده‌های امریکایی چه سیاست‌هایی را در قبال نقش منطقه‌ای ایران پیشنهاد کرده‌اند و چه تأثیری بر سیاست خارجی این کشور گذاشته‌اند؟ و فرضیه پیشنهادی این است: در حالی که تعدادی از اندیشکده‌های امریکایی در قبال فعالیت‌های منطقه‌ای ایران سیاست تعامل با ایران را پیشنهاد می‌کنند، اما عمدتاً خواهان اتخاذ سیاست مهار بوده، ضمن اینکه سیاست تغییر رژیم ایران نیز در میان برخی از نویسندگان اندیشکده‌های امریکایی طرفدارانی دارد.

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده تا در بُعد کاربردی نتایج این تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌ها قابل استفاده باشد. به بیان دیگر دانستن وضعیت حیطة مدیریت و تحول متغیرها برای تصمیم‌گیری امری ضروری است و بدون آگاهی از وضع جامعه، گرایش‌ها، ویژگی‌ها، کیفیت متغیرها و نیز عوامل مؤثر در حیطة مدیریت نمی‌توان تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری نمود. برای آگاهی از این امور، تحقیقات توصیفی ضرورت دارد. پس با توجه به موضوع این مقاله که در حقیقت تحلیل پیشنهادات نویسندگان مهم و برجسته اندیشکده‌های امریکایی است تلاش شده است تا آرای آنان در موضوع سیاست‌های

منطقه‌ای ایران جمع‌آوری و سپس تدوین و تحلیل شود. با مراجعه به سایت‌های این اندیشکده‌ها می‌توان به اسناد و مقالات مذکور دست یابیم. علاوه بر این با جست‌وجو در نشریات و رسانه‌ها می‌توان به مصادیقی از این راهکارها و پیشنهادها برسیم.

در باب پیشینه پژوهش نیز باید گفت: آنچه مهم است این است که مقالات و کتاب‌هایی که درباره تأثیر اندیشکده‌ها بر سیاست خارجی امریکا منتشر شده اندک است و از آن مهم‌تر اینکه تعداد معدودی از آنان به مسئله سیاست‌های منطقه‌ای ایران پرداخته‌اند. بخشی از این نوشته‌ها به تأثیر اندیشکده‌ها بر سیاست خارجی امریکا پرداخته‌اند و بخشی دیگر سیاست خارجی ترامپ در منطقه غرب آسیا را مورد تحلیل قرار دادند، اما خیلی کم به صورت موردی به تأثیر اندیشکده‌ها بر سیاست خارجی ترامپ در مسئله سیاست‌های منطقه‌ای ایران پرداخته‌اند. به عنوان مثال دو مقاله مرتبط در نشریه آفاق امنیت عبارتند از: مقاله آقایان حمید درج و محمدعلی بصیری با عنوان "تجزیه و تحلیل رویکرد دولت ترامپ در قبال پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران" به پرونده هسته‌ای می‌پردازد و مقاله آقایان فرشاد رومی و احسان کاظمی با عنوان "مواجهه ایران و امریکا؛ راهبردها و تاکتیک‌ها" نیز کلی می‌باشد.

رویکردهای پیشنهادی اندیشکده‌های امریکایی در قبال ایران و حضور منطقه‌ای آن

اندیشکده‌های امریکایی طی بیش از چهار دهه گذشته رویکردهای متعددی را در سیاست خارجی خود نسبت به جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته‌اند. این رویکردها که به رویکردهای تعامل یا معامله، مهار و تغییر رژیم مشهور است، طی این سال‌ها با شدت و ضعف گوناگون در پیش گرفته شد. در سطور زیر به اختصار به رویکردهای مذکور پرداخته می‌شود.

رویکرد تعامل Engagement

این رویکرد دیپلماتیک با هدف ترغیب ایران به همکاری با غرب است و بر معادله حل چالش‌ها برای رسیدن به یک روابط متعادل و قابل پذیرش میان دوطرف تأکید دارد. طبق این رویکرد منافع بسیاری وجود دارد که لزوم برقراری رابطه بین ایران و امریکا را ضروری می‌سازد. برخی از این موارد عبارتند از:

۱. بهره‌برداری امریکا از منابع عظیم نفت و گاز ایران و خلیج فارس که نقش مهمی را در آینده در معاملات جهانی ایفا می‌کند؛
۲. موقعیت استراتژیک و ژئواستراتژیک ایران؛
۳. همکاری دو کشور در راستای صلح غرب آسیا؛



۴. کمک تهران به موازنه قدرت در منطقه جنوب آسیا و میان کشورهای هند و چین؛
۵. کنترل برنامه هسته‌ای ایران و کمک به رژیم منع گسترش؛
۶. تأثیرگذاری مستقیم ایران بر منافع ملی امریکا در منطقه غرب آسیا (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

در این رویکرد دو گزینه راهبردی مطرح شده است: گزینه هویج و چماق و تعامل و تشویق. در گزینه هویج و چماق تحریم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی و تبلیغاتی در محور چماق و مواردی مانند رفع تحریم‌ها و ورود ایران به سازمان تجارت جهانی در محور هویج پیشنهاد شده است. در مقابل، در گزینه تعامل و تشویق صرفاً از طریق بسته‌های تشویقی در پی تغییر رفتار ایران هستند. در این چهارچوب دو استراتژی تعامل گام‌به‌گام و معامله بزرگ پیشنهاد می‌شود؛ به‌زعم آنان گزینه تعامل و تشویق باید در حوزه‌های سه‌گانه هسته‌ای، استراتژیک و اقتصادی دنبال گردد و امریکا باید حمایت علنی از گروه‌های اپوزیسیون را کنار بگذارد (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

اما استراتژی معامله بزرگ از سوی کسانی که هوادار کار با جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند مانند شورای امریکاییان - ایرانیان و گروه پروژه امریکای نوین توصیه می‌شود. به‌اعتقاد این گروه، با معامله بزرگ میان دو کشور ژئوپلیتیک، منطقه به‌نفع امریکا و خود تغییر خواهد کرد. به‌باور این طیف رفتاری، جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌هایی که امریکا نسبت به آن نگرانی دارد مثل تروریسم و اشاعه هسته‌ای می‌تواند از این راه تغییر یابد و در پی آن روابط دیپلماتیک دو کشور به‌حالت عادی در خواهد آمد. آنان روش‌ها و ابزارهایی را نیز برای پیگیری این استراتژی پیشنهاد می‌کنند از جمله اینکه: ۱. پیشنهاد مذاکرات مستقیم و بدون پیش‌شرط ۲. پیشنهاد گشایش دفتر حفاظت منافع در تهران ۳. آغاز مذاکرات و همکاری‌ها درباره عراق و افغانستان که دو کشور در این زمینه دارای منافع مشترکی هستند (حسینی، ۱۳۹۱: ۲۰۰).

رویکرد مهار Containment

این رویکرد که در قالب‌های گوناگون همچون بازدارندگی، مهار دوجانبه، مهارت تمام‌عیار، فشار حداکثری و... مطرح شده است، بر حفظ گزینه نظامی روی میز و تهدید ایران و همچنین اعمال تحریم‌ها و فشارهای گوناگون تأکید دارد.

مهار تمام‌عیار که عمدتاً از سوی اندیشکده‌های صهیونیستی همچون مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک و همچنین لابی آپیک و نیز اندیشکده‌های نومحافظه‌کار مثل مؤسسه هادسون و یا امریکن اینترپرایز پیگیری می‌شود اعلام می‌کند: رفتارهای خصمانه ایران نسبت به امریکا ریشه در ماهیت ایدئولوژیک نظام سیاسی ایران داشته است؛ که در



نظام فعلی، کسی تمایلی برای مذاکره با امریکا ندارد و در نتیجه از همه ابزارهای یک‌جانبه و چندجانبه برای مهار کامل ایران باید استفاده کرد. به‌زعم معتقدین این گزینه، ابزارهای متعددی برای مهار تمام‌عیار قابل اشاره است که عبارتند از: ۱. کاهش قیمت نفت و همچنین تحریم نفت ایران ۲. تحریم‌های اقتصادی از جمله تحریم بنزین ۳. اتحاد میان کشورهای اروپایی و عربی برای اجرای مهار کامل اقتصادی ۴. بهره‌گیری از ظرفیت گروه‌های مخالف نظام سیاسی ایران ۵. موضوع تغییر سیاسی از درون را نیز باید مدنظر قرار داد (حسینی، ۱۳۹۱: ۲۰۱).

سیاست مهار دوجانبه نیز به‌عنوان یکی از گزینه‌های موجود در مهار، مدنظر سیاست‌گذاران امریکایی بوده است. با به‌قدرت‌رسیدن بیل کلینتون، سیاست‌گذاران و نویسندگان اندیشکده‌ها با برگزاری نشست‌های متعدد تلاش کردند تا به یک استراتژی جدید و جامعی در قبال جمهوری اسلامی ایران برسند. به‌زعم آنان در مجموع سه موضوع مهم بود که چالش‌های مهمی را فراروی دولت امریکا قرار می‌دهد. الف. تهدید جدی ایران برای منافع حیاتی امریکا و دوستان این کشور در منطقه به‌ویژه رفتارهای سیاست خارجی ایران در رابطه با تروریسم، جنگ‌افزارهای کشتار جمعی و حقوق بشر. ب. تلاش برای تخریب روند صلح خاورمیانه و تهدید رژیم صهیونیستی ج. عدم کارایی سیاست‌های گذشته امریکا موسوم به دو ستون و موازنه قدرت برای مهار آنچه که جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای ایران و عراق خوانده می‌شد. پاتریک کلاوسون از نویسندگان مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک طی مقاله‌ای با عنوان: «چالش‌های ایران برای غرب؛ چگونه، چه وقت و چرا؟» در اوایل سال ۱۹۹۳ چالش‌های فراروی منافع امریکا را در رابطه با ایران برشمرد و با اظهار اینکه بین نیروهای تندرو و میانه‌رو در ایران در برخورد با غرب هیچ تفاوتی وجود ندارد خواستار برخورد شدیدتر با ایران شد (حسینی، ۱۳۹۱: ۸۱). در مرحله بعد مارتین ایندیک بنیان‌گذار مؤسسه واشنگتن و معاون کنونی مؤسسه بروکینگز برای اولین بار از استراتژی امریکا در خلیج فارس با عنوان مهار دوجانبه (Dual Containment) سخن به میان آورد. وی با اشاره به استراتژی امریکا در دهه ۱۹۸۰ در قبال ایران و عراق که مبتنی بر ایجاد تعادل بین دو کشور با تکیه به یکی علیه دیگری بود و اذعان صریح به شکست آن، اظهار داشت: این استدلال را که بایستی به یکی کمک کرد تا به سطح دیگری برسد پذیرفته نیست. ورشکستگی این سیاست نه‌تنها در حمله عراق به کویت کاملاً به اثبات رسیده بلکه کاملاً آشکار است که ایران و عراق (زمان صدام) دشمن امریکا و خصم متحدین منطقه‌ای آن می‌باشند. پس امریکا باید حضور نظامی خود را در منطقه خلیج فارس حفظ نموده تا بلندپروازی‌های نظامی ایران و عراق را مهار نماید (حسینی، ۱۳۹۱: ۱۱۰).



۸۳). به‌دعای مارتین ایندیک در صورت عدم تعدیل رفتار ایران در آن زمان، تا ۵ سال بعد تهدیدات این کشور علیه رژیم صهیونیستی، جهان عرب و منافع غرب در منطقه جدی‌تر خواهد شد (هرسیچ، ۱۳۸۱: ۱۳۲) برای کاربست مهار دوجانبه در خصوص ایران سه پایه‌ی اساسی در این زمینه وجود داشت: یکی پایه‌ی سیاسی و دیپلماتیک و تلاش‌های دولت امریکا در جهت انزوای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و سطح جهانی، دوم اجرای شدیدترین تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه و چندجانبه بر ضد ایران و سوم کنترل رفتارهای نظامی این کشور با حضور مستقیم نیروهای نظامی امریکا در منطقه (حسینی، ۱۳۹۱: ۹۵).

رویکرد بازدارندگی نیز در چهارچوب مهار قابل تحلیل و بررسی است. این رویکرد بیشتر در محور برنامه‌ی هسته‌ای ایران ظهور و بروز پیدا کرد و طرفداران آنان معتقدند که باید یک ایران هسته‌ای را پذیرفت و به‌جای مقابله با آن درصدد بازدارندگی آن برآمد. در این رابطه آنان معتقدند که بازدارندگی همان طور که در برابر شوروی و چین جواب داده می‌تواند در برابر ایران نیز کارایی داشته باشد (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

فشار حداکثری ترامپ یکی دیگر از استراتژی‌های موجود در رویکرد مهار می‌باشد. این استراتژی که در حقیقت توسط بسیاری از اندیشکده‌های امریکایی به‌ویژه اف.دی.دی یا بنیاد دفاع از دموکراسی، امریکن اینترپرایز، جینسا، هادسون و... توصیه می‌شود، بسیار سخت‌تر از استراتژی‌های پیشین در رویکرد مهار، در حال اجرا است و با به‌کارگیری تحریم‌های ثانویه درصدد فلج‌نمودن تجارت خارجی و اقتصاد ایران می‌باشد. به‌اعتراف مایک پمپئو وزیر خارجه‌ی امریکا، تحریم‌هایی که علیه ایران اعمال می‌شود قوی‌ترین تحریم‌هایی است که در طول تاریخ به اجرا گذاشته شده است. استراتژی فشار حداکثری ترامپ که از سال ۲۰۰۹ به‌تدریج و طی چند مرحله با اجرای تحریم‌های ثانویه علیه شرکت‌های طرف معامله با ایران به اجرا درآمد، در ادامه با فرازونشیب‌هایی مواجه شد که بسیاری از منتقدان این سیاست آن را ناکارآمد خواندند. هرچند برخی صاحب‌نظران به‌دلیل موفقیت‌های این استراتژی در محدودسازی شدید تجارت خارجی ایران، خواستار هدفمندسازی و محدودترشدن اهداف آن شدند. به‌زعم برخی منتقدین باید به موازات کمپین فشار حداکثری با هدف لزوم انتخاب ایران بین استمرار فعالیت‌های تجاری و یا توقف فعالیت‌های منطقه‌ای، کانال‌های دیپلماتیک نیز فعال باشد (Wallsh, 2020). چراکه این نگرانی وجود دارد که فشارهای تحریمی قوی علیه ایران به‌همراه خسارات بی‌سابقه به اقتصاد این کشور، نه‌تنها موجب دستاوردهای استراتژیک برای امریکا نشود بلکه نتیجه‌ی معکوس دهد. اقدامات تهاجمی ایران در خلیج فارس علیه هوپیمای بدون سرنشین امریکا

در ژوئن ۲۰۱۹ و حمله به تأسیسات نفتی عربستان در سپتامبر ۲۰۱۹ و سرعت بخشیدن ایران به حمایت از گروه‌های تحت حمایت خود در لبنان، عراق و فلسطین مؤید ادعای فوق می‌باشند. پس ترامپ باید علاوه بر فشار حداکثری اقتصادی، راه‌حل‌های دیپلماتیک خلاق و تهدید نظامی معتبر را مدنظر داشته باشد (Evental, 2020). همچنین پاسخ ایران به فشار حداکثری، مقاومت حداکثری بوده است. ضمن اینکه سبب افزایش سیاست‌های تحریک‌آمیز منطقه‌ای ایران شده است (Crisisgroup, 2019). از دیگر انتقادات منتقدین این است که تحریم‌های مذکور بیش از آنکه ایران را به سمت میز مذاکره سوق دهد و سبب تأمین امنیت متحدین منطقه‌ای ما شود، باعث افزایش تنش‌های منطقه‌ای شده و صرفاً جامعه ایران را به لحاظ اقتصادی تحت فشار قرار داده است. اما موافقان استراتژی فشار حداکثری، تحریم‌های شدید اقتصادی را برای بازگرداندن تهران به میز مذاکره ضروری دانسته و مشکلات اقتصادی ناشی از آن نیز سبب نارضایتی عمومی شده و دولت ایران باید با جامعه خواستار تغییر، مقابله کند (Intelligencesquaredus, 2020). ری تکیه کارشناس ایرانی شورای روابط خارجی آمریکا معتقد است راهبرد فشار حداکثری این کشور علیه ایران تاکتیکی موفقیت‌آمیز بوده است، زیرا برای اقتصاد ایران دردآور بود. البته هنوز زود است که گفته شود این تحریم‌ها موجب ترغیب ایرانی‌ها به انجام مذاکره و امضای توافقی جدید با آمریکا می‌شود (Lindsay, 2019).

اصل تحریم‌ها توسط عمده اندیشکده‌های امریکایی مورد تأیید و ترغیب است. در این رابطه مؤسسه بروکینگز اعلام می‌کند. تحریم‌های اقتصادی باید در مرکز هر نوع تلاش آمریکا برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای قرار داشته باشد. تحریم‌های اقتصادی دو کارکرد اساسی دارند، آنها هم می‌توانند رهبران ایران را برای انجام مذاکرات متقاعد سازند و هم کشورهایی که به ایران کمک می‌کنند را منزوی نمایند (Einhorn, 2019).

رویکرد تغییر رژیم Regime change

رویکرد تغییر رژیم طی چهار دهه گذشته همواره مدنظر اندیشکده‌های امریکایی علیه ایران بوده است. اما به دلیل ناتوانی در اجرای آن، همواره تلاش شده است تا رویکردهای دیگر به‌ویژه مهار، به اجرا گذاشته شود. شیوه‌های متعددی برای عملیاتی‌سازی رویکرد تغییر رژیم ایران از سوی امریکایی‌ها در پیش گرفته شده است. حمله هوایی، جنگ نیابتی، کودتای نظامی، حمایت از شورش‌ها و انقلاب‌های رنگی از جمله شیوه‌های مطروحه برای تغییر رژیم ایران به حساب می‌آید.

استراتژی جنگ علیه ایران بیش از هر چیزی تحت تأثیر لابی‌های صهیونیستی و



استراتژیست‌های وفادار به این رژیم می‌باشد و ریشه‌های چنین رویکردی به دهه ۱۹۹۰ و پایان جنگ سرد برمی‌گردد. آنان به‌ویژه پس از حمله آمریکا به عراق تلاش نمودند تا آمریکا به ایران نیز حمله نماید. بنیامین بن العیزر وزیر دفاع وقت رژیم صهیونیستی، یک ماه قبل از جنگ آمریکا علیه عراق اظهار داشت عراق یک مشکل است؛ اما شما اگر از من می‌پرسید، باید بدانید امروز ایران خطرناک‌تر از عراق است. شارون نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی نیز در نوامبر ۲۰۰۲ ایران را مرکز تروریسم جهانی توصیف کرد و اعلام نمود که دولت بوش باید روز بعد از فتح عراق، آماده مبارزه با ایران بشود (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). استراتژی تغییر رژیم از طریق جنگ در سه گزینه اصلی فرموله شده است: اول گزینه جنگ و اشغال ایران، دوم گزینه حمله هوایی و موشکی، و سوم گزینه جنگ نیابتی (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۱۲۵). گزینه حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران طی مقاله‌ای توسط آنتونی کوردزمن با ریسک بالایی اعلام شد. وی پس از بررسی توانمندی‌های رژیم صهیونیستی و مسیرهای پروازی ممکن اعلام می‌کند اگرچه حمله رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران امکان‌پذیر است، اما نمی‌توان تضمین کرد که این مأموریت موفقیت‌زایی کسب کند (Cordesman, 2009).

اندیشکده‌های امریکایی گزینه کودتای نظامی در ایران را تقریباً غیرممکن دانسته و آن را از اولویت‌های خود کنار گذاشتند؛ چراکه به‌زعم آنان نیروهای مسلح در ایران بسیار قوی و پرنفوذ بوده و از وفاداری بالایی به نظام برخوردارند. اما گزینه شورش از گزینه‌های مطرح و نسبتاً پرطرفدار و پرسابقه در اندیشکده‌های امریکایی می‌باشد و به‌شکل واضحی به‌عرصه‌های سیاست‌گذاری دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران کشیده شده است. این گزینه حداقل تحت‌فشار قراردادان ایران و عقب‌نشینی از فعالیت‌های منطقه‌ای و حداکثر تغییر نظام را مدنظر قرار دارد (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

نشریه نیوزویک با اعلام اینکه رهبران ایران در داخل کشور بی‌اعتبار و منزوی شده‌اند از سران دولت آمریکا خواست تا با تغییر رفتار چهار ساله خود به‌شکل جدی و علنی بر روی درگیری‌ها و شکاف‌های داخلی ایران سرمایه‌گذاری نمایند؛ چراکه این امر منجر به تغییر از درون شده و این بهترین راه ممکن برای تغییر رژیم ایران است (Modell, 2020). با این وجود بسیاری نیز در آمریکا معتقدند به‌دلایل متعددی از جمله گذشت چهار سال از عمر حکومت ایران با وجود تمام تحریم‌ها و فشارها، انتظار تغییر رژیم را نداشته باشید. پایداری ایران در مقابل تحریم‌های گوناگون، عدم وجود طیف میانه‌رو در ایران که از ظرفیت لازم برای تغییر رژیم برخوردار باشد، تأثیرگذاری تحریم‌ها بر جامعه و مردم ایران و نه حکومت ایران و... از جمله دلایلی است که موفقیت گزینه تغییر رژیم را کم‌رنگ می‌نماید

(Golstone, 2019). در بخش‌های بعدی به پیشنهادات اندیشکده‌ها در چهارچوب سیاست‌ها و رویکردهای فوق‌الذکر در قبال سیاست‌های منطقه‌ای ایران پرداخته می‌شود.

سیاست‌های منطقه‌ای ایران

یکی از عبارات و واژگان پرتکرار در مطالب اندیشکده‌های امریکایی نسبت به ایران، "نفوذ منطقه‌ای" ایران است. این عبارت که در حقیقت به روابط نزدیک میان ایران و اعضای محور مقاومت اشاره دارد، درصدد القای این هدف است که ایران با سیاست‌ها و نفوذ منطقه‌ای خود درصدد سیطره بر کشورهای غرب آسیا و ایجاد یک پل ارتباطی زمینی - هوایی، از ایران تا دریای مدیترانه است. این وضعیت با هدف تسهیل ارتباط با سوریه و حزب‌الله لبنان و در نهایت ایجاد شرایط لازم برای حذف و نابودی رژیم صهیونیستی، به‌تصویر کشیده می‌شود. آنان در مقالات خود ضمن اشاره به عراق، سوریه و جنبش حزب‌الله لبنان، گروه‌های عضو حشدالشعبی عراق، فاطمیون، زینبیون و مقاومت مردمی سوریه، انصارالله یمن و گروه‌های مبارز فلسطینی را به‌عنوان اعضای محور مقاومت به‌رهبری جمهوری اسلامی ایران یاد می‌کنند که جایگاه تهران را به‌عنوان قدرت مسلط در تقاطع استراتژیک خاورمیانه تحکیم می‌کند؛ و بدین منظور سیاست پیگیری پیروزی کامل بشار اسد و برقراری حضور نظامی دائمی در طول کریدور تهران - مدیترانه که از نظر آنها تهدیدی غیرقابل پذیرش برای متحدان امریکا خصوصاً رژیم صهیونیستی و اردن محسوب می‌شود را دنبال می‌کند؛ دنبال کنترل لبنان از طریق حزب‌الله و دستیابی به امکانات بنادر سوریه و همچنین انتقال نیروهای ایران و حزب‌الله به جنوب بلندی‌های جولان است (Edelman and Wald, November, 2017). از نظر کنت پولاک کارشناس «مؤسسه امریکن اینترپرایز» و یکی از نخبگان سیاسی، حمایت ایران از اسد بیشتر به‌خاطر رفع نگرانی‌های دفاعی است؛ به‌زعم وی، عراق تحت‌تسلط ایران، مسیری خطرناک برای نفوذ ایران به بقیه جهان عرب است و حداقل هدف قابل قبول برای ایران و بالاترین اولویت آن، یک عراق با ثبات اما تحت‌تسلط شیعیان است که ایرانی‌ها انتظار دارند همیشه با آنها خوب باشد (Pollack, February 15, 2018). و یمن راهی آسان برای منحرف‌کردن توجه امریکا و متحدان منطقه‌ای توسط ایران از چالش‌های استراتژیک مهم‌تر در عراق و سوریه است و جنگ داخلی یمن مدخلی را برای ایران فراهم کرده است تا از طریق آن به عربستان که متحد امریکا است ضربه بزند (Pollack, February 13, 2018, Indyk, March 2017). مایکل آیزنستات یکی از تحلیل‌گران نظامی امریکایی با اشاره به تغییر وضعیت و قدرت ایران دلایل ضرورت و فوریت ویژه فرمول‌بندی یک استراتژی جامع در قبال ایران را این چنین می‌داند: ۱. تغییر شکل دراماتیک ایران از یک کشوری که ترس از احاطه‌شدن داشت به



کشوری که در حال اعمال یک استراتژی احاطه‌سازی در مقابل متحدین امریکا در منطقه یعنی عربستان و رژیم صهیونیستی است. ۲. ایران از یک قدرت منزوی به‌لحاظ استراتژیک به رهبر منسجم‌ترین بلوک سیاسی - نظامی منطقه یعنی محور مقاومت تبدیل شده است. ۳. از یک قدرت یاغی هسته‌ای به کشوری در آستانه هسته‌ای شدن تبدیل شده است که وضعیت آن به‌وسیله برجام تأیید شده و مشروعیت یافته است (January 2018, Eisenstadt).

سوزان مالونی پژوهشگر ارشد مؤسسه بروکینگز و یکی از شخصیت‌هایی که در دولت‌های دموکرات امریکا مسئولیت‌هایی داشته است، طی مطلبی به ریشه‌های استراتژی منطقه‌ای ایران می‌پردازد. به‌زعم وی دستورکار منطقه‌ای جمهوری اسلامی، مانند هر کشور دیگری شامل یک رئال پلیتیک کانونی است؛ اما این تنها محرک اصلی سیاست ایران نیست. از نظر او، پنج عامل محوری ایران را قادر به گسترش دسترسی به غرب آسیا کرده است که عبارتند از: ۱. میراث امپریالیستی؛ بر این اساس ایران تقریباً تحت زعامت و هرگونه رهبری و حکومتی به‌دنبال ایفای نقشی فوق‌العاده بزرگ در سرتاسر غرب آسیا بوده است. ۲. اسلام شیعی؛ با انقلاب ۱۹۷۹ یک عامل تعیین‌کننده به‌نام نیرویی بسیج‌کننده، اسلام را برای سیاست‌های منطقه‌ای خود سرمایه‌گذاری کرده است. امروز پان اسلام‌یسم آرمانی ایران، به‌یک شووینیسیم فرقه‌ای به‌نفع شیعیان کشورهای حوزه خلیج فارس، عراق و لبنان تغییر کرده است. ۳. مخالفت با امپریالیسم؛ رویکرد منطقه‌ای ایران همچنین بازتابی از رد تمام‌عیار هژمونی ابرقدرت‌ها و دفاع شدید از استقلال و خودمختاری این کشور است. ایران نه‌تنها هرگز مستعمره نشد، بلکه پس از انقلاب، یک سیاست رسمی عدم تعهد (نه شرقی نه غربی) را اتخاذ کرد. این موضع عمیق ضدامپریالیستی، سبب شده است تا همواره درصدد بیرون‌راندن نیروهای خارجی از خلیج فارس باشد. ۴. سیاست داخلی؛ پویایی داخلی ایران نیز تأثیر مستقیمی بر دستورکار و رویکرد منطقه‌ای آن داشته است. طی ۴۰ سال گذشته رقابت‌های داخلی برای نفوذ بر فعالیت‌های خارجی ادامه دارد و در نتیجه، چندین نهاد رسمی در ایران اغلب سیاست‌هایی در تناقض مستقیم با یکدیگر را، اتخاذ می‌کنند. ۵. بدبینی شدید (پارانویا) و امنیت رژیم؛ شاید مهم‌ترین عامل حاکم بر آرمان‌ها و فعالیت‌های ایران در غرب آسیا، احساس قوی و دائمی ناامنی در میان رهبران است که مبتنی بر حافظه تاریخی و تجربه‌ای کشنده است. بی‌اعتمادی تهران به قدرت‌های بزرگ، در روی آوردن ایران به سمت جنگ نامتعارف و سرمایه‌گذاری‌های مکرر در گروه‌های نیابتی در سراسر منطقه برای تحکیم یا گسترش دسترسی، ایفای نقش کرده است (Maloney, September 2017).

تصویرسازی اندیشکده‌ها از سیاست‌های منطقه‌ای ایران

لزوم فشارهای همه‌جانبه بر ایران، اتخاذ یک استراتژی "منطقه ابهام"، تقویت همه‌جانبه تحریم‌ها به‌عنوان مهم‌ترین ابزار فشار، ضرورت اتحاد آمریکا و اروپا با هدف افزایش تأثیرگذاری تحریم‌ها، راه‌اندازی یک کمپین جنگ سیاسی رسانه‌ای هماهنگ، به‌کارگیری دیپلماسی فعال و مؤثر، ترتیب‌دادن ائتلاف منسجم منطقه‌ای علیه ایران، پیگیری سیاست تغییر رژیم به‌عنوان ابزاری برای امتیازگیری، تشکیل یک اتحاد و جمع‌کردن قابلیت‌های متحدان در یک چهارچوب امنیتی منطقه‌ای، جدیت به‌خرج‌دادن نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس، پیشنهادهای خاص برای مقابله با ایران در هر یک از کشورهای منطقه شامل: سوریه، عراق، لبنان و یمن، پیشنهادهای و تصویرهایی است که این مراکز، برای مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای ایران به دولت آمریکا ارائه کرده‌اند (Pollack, February 13, 2018, Indyk, March 2017, Allen and O'Hanlon, October 2017, Edelman and Wald, November, 2017)؛ که برخی از آنها به‌صورت‌های مختلف توسط دولت ترامپ پیگیری شده است. این پیشنهادهای به‌صورت مشروح در ادامه بررسی می‌شود و سپس نمودهای اجرایی آنها در تطبیق با سیاست‌های اعلامی و اعمالی دولت آمریکا نشان داده می‌شود تا تأثیر این پیشنهادهای ارزیابی شود.

۱. لزوم فشارهای همه‌جانبه بر ایران

مارک دابوویتز مدیر اجرایی بنیاد دفاع از دموکراسی و یکی از مشاورین دولت ترامپ در شورای امنیت ملی در اواخر سال ۲۰۱۷ با اعلام اینکه ترامپ نباید پابندی ایران به توافق هسته‌ای را تأیید کند، اعلام کرد البته تحریم‌های غیربرجامی که در دوره ترامپ وضع شد، شروع خوبی است اما ترامپ باید کارهای بیشتری انجام دهد؛ مثلاً اینکه باید سپاه پاسداران و ایران ایر را سازمانی تروریستی اعلام کند و از وزارت خزانه‌داری بخواهد شرکت‌های تحت مالکیت سپاه را در لیست سیاه قرار دهد. دولت باید با ارائه یک استراتژی جامع برای اصلاح توافق، کنگره را متقاعد کند تحریم‌های برجامی را برنگرداند و در عوض تحریم‌های دیگر وضع کند. اروپایی‌ها نیز در این راستا باید شرایطی را برای ایران ترسیم کنند که اگر ایران وارد این بازی نشود، تحت آن شرایط تحریم‌های اروپایی - آمریکایی برمی‌گردد. در غیر این صورت آنها باید شاهد خروج ترامپ از توافق با استفاده از قدرت عظیم مالی آمریکا برای وادار کردن بانک‌های اروپایی به انتخاب بین بازار ۱۹ تریلیون دلاری آمریکا و بازار ۴۰۰ میلیون دلاری ایران باشند (Dubowitz, September 26, 2017).

دیوید آدسنیک و سعید قاسمی‌نژاد از کارشناسان بنیاد دفاع از دموکراسی طی گزارشی به‌شناسایی شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی در ایران پرداختند و اعلام کردند: عمده این



شرکت‌ها به‌ویژه شرکت‌هایی که جزء ۵۰۰ شرکت پردرآمد "گلوبال فورچون" هستند، به‌خاطر تحریم‌های امریکا از ایران خارج شدند. آنان فشارها و تحریم‌های امریکا را راهکاری مؤثر برای محدودشدن فعالیت‌های مخالف سیاست‌های امریکا توسط ایران می‌دانند (Adesnik, September 10, 2018).

دیوید آدسنیک در مطلب دیگری پیشنهاد می‌دهد تا با شناسایی مسیر نفتکش‌های ایرانی، خریداران نفت ایران را هدف قرار دهند. به‌زعم وی عدم‌رعایت مقررات دریانوردی می‌تواند بهانه‌ای برای مؤثرترساختن تحریم‌ها علیه فروش نفت ایران باشد. آدسنیک با اشاره به عضویت ایران و امریکا در کنوانسیون بین‌المللی امنیت زندگی در دریا، پیشنهاد می‌کند که این کشور باید به‌دنبال راه‌هایی باشد تا تهران را درباره نقض خطرناک استانداردهای دریایی پاسخ‌گو نگه دارد، شرکت‌های بیمه‌کننده این نفتکش‌ها را تحریم کند و با مقامات بنادر خارجی وارد مذاکره شود تا تضمین دهند که نفتکش‌های ایرانی این سیستم خودکار هویت‌یابی را روشن نگه می‌دارند (Adesnik, September 27, 2018).

تروی کان دستیار مدیر در امور سیاست و حکومت در آپیک خواستار تحریم آستان قدس رضوی شد. به‌زعم وی گروه مپنا وابسته به آستان قدس، توافقاتی با دمشق برای بازسازی نیروگاه‌های برق امضا کرده است و این توافقات ایران را قادر ساخت حضور و نفوذ خود را در سوریه تحکیم بخشد و در همین حال سبب کاهش فشارهای بین‌المللی بر اسد برای پایان‌دادن به جنگ شد. همچنین ستاد اجرایی فرمان امام نیز باید به‌عنوان گام نخست در تلاشی گسترده‌تر مورد تحریم قرار گیرد (kahn, September 15, 2018). همین نویسنده در مطلب دیگری خواستار تحریم وزیر و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران می‌شود. چراکه به ادعای وی این وزارتخانه یکی از عوامل نفوذ منطقه‌ای ایران است. بر این اساس نهادهای وابسته به این وزارت با انتشار محتوا از طریق مراکز فرهنگی و مساجد در سراسر جهان، به تقویت ارزش‌های اسلامی می‌پردازند و به‌دنبال کسب حمایت بین‌المللی برای دستورکار منطقه‌ای و همچنین تقویت مشروعیت رژیم ایران در صحنه جهانی هستند (kahn, August 9, 2018). سعید قاسمی‌نژاد نیز می‌نویسد: شرکت‌های تجاری مرتبط با سپاه جبهه‌ای برای تلاش گسترده‌تر تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی تشکیل داده است و ترامپ که در جهت اعمال مجدد تحریم‌ها حرکت می‌کند، باید برای منزوی‌کردن این "شبکه کلیدی امپراطوری مالی رژیم روحانیت" تلاش کند (saeed ghasseminejad, September 26, 2018).

۲. اتخاذ راهبرد "منطقه ابهام"

مایکل آیزنستات افسر سابق ارتش آمریکا و از کارشناسان مؤسسه واشنگتن معتقد است، کشورهای نظیر ایران، روسیه و چین، اغلب در منطقه ابهام بین جنگ و صلح عمل می‌کنند تا وضع موجود را به چالش بکشند و در عین حال، خطرات را مدیریت کنند. بهترین راه برای مقابله با این نوع فعالیت، به‌طور خاص در مورد راهبرد نامتقارن ایران، اتخاذ راهبرد "منطقه ابهام" از سوی آمریکا است که می‌تواند به مدیریت تنش کمک کرده و برای تأثیرگذاری سیاست فشار دولت ترامپ، زمان بخرد. مؤلفه‌های راهبرد منطقه ابهام آمریکا عبارت‌اند از: نجات اعتبار و بازدارندگی؛ به‌معنای واکنش‌نشان‌دادن به ماجراجویی‌ها و تحریکات ایران در منطقه تا نشان دهد که، واشنگتن بیش از گذشته پذیرای خطر است. همچنین به‌معنای اجازه‌ندادن به تهران برای عبور از خطوط قرمز است. تعدیل خویشتن‌داری و تناسب: خویشتن‌داری بیش از حد می‌تواند خطرات تشدید تنش را از طریق دعوت به چالش‌های جدید، افزایش دهد. برعکس، ترک خویشتن‌داری نیز می‌تواند به‌طور غیرضروری، خطرات پیش روی آمریکا را افزایش دهد. برای اجتناب از هردو سناریو، واشنگتن باید به‌طور متناسب به اقدامات ایران واکنش نشان دهد. افزایش ابهام، تحمیل هزینه: واشنگتن اغلب در واکنش به چالش‌ها به‌شکل قابل پیش‌بینی عمل می‌کند و ارزیابی خطرات برای مخالفان را آسان‌تر می‌سازد و نیز هزینه‌های آزمون آمریکا را محدود می‌کند. واشنگتن در عوض باید به‌گونه غیرقابل پیش‌بینی عمل کند. تغییر ساختارهای مشوق: رژیم متخاصمی که برای بقای خود می‌جنگد، همواره پذیرای ریسک بیشتری از آمریکا است که صرفاً منافع ملی خود را تعقیب می‌کند. بنابراین، مهم است که از به‌گوشه‌رینگ‌کشاندن تهران (وضعیتی که چیزی برای از دست‌دادن نداشته باشد) اجتناب شود. بلندمدت اقدام کن نه جاه‌طلبانه: در رقابت‌های منطقه ابهام، مزیت و سود، اغلب از طریق دستاوردهای روبه‌رشد و انباشتی به دست می‌آید تا اقدام سریع و قاطع. به همین دلیل، واشنگتن باید در مقابل تمایل به افزایش تنش و فشار به‌قصد گرفتن نتایج سریع، مقاومت کند. وسعت‌دادن به گزینه‌های منطقه ابهام: آمریکا برای محدود کردن بیشتر ظرفیت افزایش تنش، باید رویکردهای عملیاتی جدید را با استفاده از جنگ الکترونیک، تسلیحات تهاجمی سایبری و پهپادها، توسعه دهد. اقدام در چندین جبهه: تهران معمولاً از وخامت اوضاع در دو یا چند جبهه به‌طور هم‌زمان اجتناب می‌کند. پس آمریکا باید با شرکای منطقه‌ای خود نظیر رژیم صهیونیستی و عربستان همکاری کند تا تهران را از چندین جهت تحت فشار قرار دهند. در مجموع، یک استراتژی منطقه ابهام مؤثر از سوی آمریکا می‌تواند به کم‌اثر کردن کمپین ضد فشار ایران کمک کند، توانایی ایران برای درگیر شدن در فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده



منطقه‌ای را محدود کند و در نهایت، این کشور را از تلاش برای حرکت تدریجی به سمت نقطه گریز هسته‌ای بازدارد (Eisenstadt, September 18, 2019).

۳. ایجاد ائتلاف امنیتی منطقه‌ای منسجم علیه ایران

از جمله پیشنهادات مطروحه، ایجاد اتحادی از کشورهای منطقه برای مقابله با ایران است. اریک ادلمن سفیر سابق امریکا در ترکیه و چارلز والد فرمانده سابق نیروهای هوایی این کشور در اروپا که از کارشناسان «مؤسسه یهودی امنیت ملی امریکا (جینسا)» هستند توصیه می‌کنند: که برای مقابله با سیاست‌های ایران در منطقه، تفاهم‌نامه امریکا با رژیم صهیونیستی برای همکاری دفاعی باید کف همکاری این دو در نظر گرفته شود؛ امریکا باید دفاع جمعی را با متحدان عربی خود تقویت کند؛ تمایل متحدان عرب خود به همکاری با رژیم صهیونیستی علیه ایران را تشویق کند؛ و در نهایت همکاری با متحدان خود در حاشیه خلیج فارس را برای توسعه یک ترتیبات دفاع موشکی چندلایه و قوی شروع کند (Edelman and Wald, November, 2017). به‌زعم این دو برای تقویت قابلیت‌های نظامی متحدان امریکا علیه ایران، ضمن افزایش همکاری‌های نظامی میان این متحدین باید از ممنوعیت تکثیر تسلیحات هسته‌ای علیه ایران حمایت کرد (Edelman and Wald, July 12, 2017). طبق نظر کنت پولاک کارشناس «مؤسسه امریکن اینترپرایز» ایران قوی نیست ولی ضعیف هم نیست. از نظر او ایران سلاح‌های خطرناکی دارد که امریکا باید از آنها فاصله بگیرد. پس عقب‌راندن ایران نیازمند حمایت قوی متحدان امریکا است؛ هم متحدان در غرب آسیا هم ائتلاف گسترده‌تر دوستان امریکا در اروپا، آسیا و حتی امریکای لاتین. بسیاری از تحریم‌ها در صورتی روی ایران اثر خواهد گذاشت که توسط تعداد گسترده‌ای از کشورها به کار گرفته شوند (Pollack, February 13, 2018).

از نظر مارتین ایندیک کارشناس و معاون اجرایی اندیشکده «بروکینگز» و سفیر اسبق امریکا در رژیم صهیونیستی به‌دلیل آمادگی شرکای استراتژیک امریکا در منطقه، یعنی رژیم صهیونیستی، ترکیه، عربستان و کشورهای عرب سنی، برای همکاری در منطقه علی‌رغم دیدگاه‌های متفاوتشان و همکاری بی‌سابقه آنها با رژیم صهیونیستی، اکنون زمان جمع‌شدن این کشورها در یک ترتیبات امنیتی منطقه‌ای است که اجازه می‌دهد تلاش‌ها برای مقابله با ایران هرچه مؤثرتر هماهنگ شود (Indyk, March 2017). طبق دیدگاه جان آلن رئیس اندیشکده بروکینگز نیز برای مقابله با سناریوی کابوس‌وار نفوذ ایران در منطقه باید از متحدان سنی برای عقب‌راندن ایران در برخی حوزه‌ها حمایت کرد؛ یک فرایند دیپلماسی منسجم و تهاجمی پیگیری شود و به‌پرورش و تقویت نیروهای بومی علیه ایران پرداخته شود (Allen and O'Hanlon, October 2017).



۴. پیگیری سیاست تغییر رژیم: ابزاری برای امتیازگیری

پیگیری سیاست تغییر رژیم یکی دیگر از پیشنهادات این مراکز برای مقابله با ایران است که عمدتاً به‌عنوان ابزاری برای امتیازگیری از ایران به آن نگریسته می‌شود؛ با این وجود برخی به‌دلیل درک خود از ماهیت جمهوری اسلامی چنین سیاستی را به‌خودی‌خود دنبال می‌کنند و بر این باور هستند که تنها تغییر رژیم می‌تواند منجر به تغییر سیاست‌های منطقه‌ای ایران شود. مارک گرچت مأمور سابق سیا در مقاله‌ای با عنوان: "از تغییر رژیم در ایران ترسی نداشته باشید" به مسئله اعتراضات و تغییرات سیاسی در ایران از زمان مشروطیت تاکنون اشاره می‌کند و با تأکید بر اعتراضات سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶ نتیجه می‌گیرد که: طبقه متوسط در ایران از نظام حاکم فاصله گرفته و دولت ایران عمدتاً بر قشر دیندار و متدین متکی است. به‌زعم وی تجربه فروپاشی شوروی، تجربه‌ای مناسب برای تکرار در ایران بوده و البته نیازمند صبر و حوصله است (gerecht, June 11, 2018).

از نظر کنت پولاک استراتژیست مؤسسه امریکن اینترپرایز، در حال حاضر تغییر رژیم نباید هدف اصلی استراتژی عقب‌رانی یا هدف مستقیم سیاست امریکا باشد. از نظر او، تنها سیاستی که امریکا می‌تواند اتخاذ کند که منجر به فروپاشی رژیم شود، حمله به ایران و اشغال آن است اما شدنی نیست. پس به‌زعم وی پیگیری سیاست تغییر رژیم از سوی امریکا احتمالاً شامل حملات سایبری تهاجمی، اقدامات پنهانی برای هدایت ناآرامی‌های داخلی و متقاعدکردن اقلیت‌های ایران برای راه‌اندازی شورش‌هایی علیه حکومت، عملیات‌های اطلاعاتی گسترده برای بی‌اعتبارکردن حکومت و شاید تحریم‌های جدید برای افزایش فشار اقتصادی بر حکومت ایران می‌شود. اما از نظر او این نوع اقدامات هرگز احتمال زیادی برای موفقیت ندارد و همان نوع تهدیداتی را برای ایران ایجاد می‌کند که ایران در گذشته در رفع کردن آنها مؤثر عمل کرده است. بنابراین استدلال پولاک برنامه‌ریزی، آماده‌شدن و بررسی این است که چگونه امریکا بهتر می‌تواند یک برنامه پنهانی تغییر رژیم علیه ایران برپا کند ولی آن را عملی نکند و به‌عنوان یک عامل بازدارنده نگه دارد (Kenneth Pollack, February 2018).

۵. ضرورت اتحاد امریکا و اروپا؛ افزایش تأثیرگذاری

مارک گرچت افسر با سابقه سیا و عضو بنیاد دفاع از دموکراسی با اشاره به لزوم اتحاد امریکا و اروپا برای تأثیرگذاری بیشتر تحریم‌ها علیه ایران می‌نویسد: بعید است ترامپ تا پایان دوره ریاست جمهوری به یکی از دو هدف فروپاشی نظام ایران و یا بازگرداندن ایران به میز مذاکرات با هدف اصلاح قرارداد برجام دست یابد. پس ترامپ باید این اقدامات را



انجام دهد: الف. با اتخاذ سیاست‌های تهاجمی‌تر نسبت به ایران و تلاش برای کاهش صادرات نفت آن باید به ایجاد شورش‌های داخلی این کشور دامن بزند. ب. با ایجاد اجماع دو حزبی (دموکرات و جمهوری‌خواه) بر سر اتخاذ سیاست فشار حداکثری بر ایران، امید ایران برای تغییر دولت در سال ۲۰۲۰ را از بین ببرد، تا مقاومت این کشور را در هم بشکنند. دولت ترامپ علاوه بر این باید با برجسته‌سازی سیاست‌های منطقه‌ای ایران، اروپا را با خود همراه سازد (gerecht, December 12, 2018).

۶. حضور قدرتمندان امریکا در خلیج فارس

پولاک معتقد است که دفاع نیروی دریایی امریکا با جدیت بیشتر از آزادی ناوبری خود و حقوق دریا مفید و مهم است. از نظر او در گذشته امریکا به ناوهای ایران خصوصاً نیروی دریایی سپاه پاسداران اجازه داد که با تخلفات مکرر و خطرناک، این دو را نادیده بگیرند. اگرچه این کار باعث اجتناب از بحران در خلیج فارس شده است، اما متحدان امریکا را متقاعد کرده است که این کشور علاقه‌ای به ایستادن در برابر تهران ندارد و این باعث ترس آنها و تشویقشان به پاسخ‌های گزاف شده است و این رویه باید تغییر کند. نیروی دریایی ایران از تابستان گذشته، خود را کنترل کرده است؛ اما اگر دوباره ادامه دهد، نیروی دریایی امریکا باید قاطعانه برای تهران روشن سازد که اقدامات جسورانه آن تحمل نخواهد شد. حتی اگر به درگیری منجر شود مهم نیست. و امریکا باید مطمئن شود که وقتی چنین رویدادی به پایان رسید ایرانیان متقاعد شده باشند که تحریک امریکا از سوی آنها کاری اشتباه بوده است (Kenneth Pollack, February 2018).

۷. سوریه؛ شاه‌رگ نفوذ منطقه‌ای ایران

به‌زعم اندیشکده‌های امریکایی طی سال‌های اخیر، سوریه به مهم‌ترین عامل در سیاست‌های منطقه‌ای ایران تبدیل شده است. ورود روسیه به بحران سوریه و شکست داعش در برابر محور مقاومت سبب شد تا جبهه مقاومت وارد مرحله جدیدی از نفوذ منطقه‌ای شود. این تغییر و تحولات از چشم اندیشکده‌ها به دور نماند که در چند عنوان بیان می‌شود:

الف. تقویت موضع امریکا در سوریه: کارشناسان مؤسسه جینسا در این رابطه اعلام کردند که: به‌جای بحث بیش از حد در خصوص آینده برجام، سیاست‌گذاران امریکا باید ابتدا از طریق به‌چالش کشیدن نفوذ فزاینده ایران در سراسر غرب آسیا، روی بازسازی موضع قدرت امریکا تمرکز کنند و اولویت نخست نیز باید این باشد که امریکا مانع واقعی در برابر سیاست ایران مبنی بر پیگیری پیروزی کامل بشار اسد ایجاد کند. چراکه

بازپس‌گیری تقریباً تمام قلمروی سوریه توسط نیروهای مورد حمایت ایران و دیگر دستاوردهای استراتژیک، موجب می‌شود ایران به داور سوریه در دورهٔ پسا جنگ تبدیل شود و کنترل این کشور بر پل زمینی‌اش که مستقیماً به لبنان و حزب‌الله متصل می‌شود را مستحکم کند. پس آمریکا و شرکایش در منطقه باید:

- ضمن اتخاذ یک سیاست اعلامی، حضور نظامی در زمین و آسمان سوریه را حفظ کنند تا امنیت لازم را برای بازسازی فراهم کنند و از ظهور مجدد داعش و همچنین بازپس‌گیری کل کشور توسط اسد جلوگیری کنند.

- آمریکا، متحدانش و مخالفین سوری اگر مورد حمله واقع شوند، قویاً از خودشان دفاع خواهند کرد.

- توسعهٔ قابلیت‌های مخالفان حکومت سوریه و کمک به آنها از طریق آموزش، مشاوره و کمک مداوم تا به حفظ قلمرو استراتژیک آزادشده از دست داعش ادامه دهند.

- با متحدان منطقه‌ای علیه اشاعهٔ تسلیحاتی ایران در سوریه همکاری کنند (Edelman and Wald, July 2017).

ب. بهره‌برداری از رقابت ایران و روسیه: مارتین ایندیک معاون اجرایی اندیشکدهٔ بروکینگز پیچیده‌ترین عنصر استراتژی عقب‌رانی را کاهش نفوذ ایران در سوریه می‌داند و معتقد است اگر ایران جای خود را در سوریه از دست بدهد مزیت کنترل حزب‌الله بر لبنان را نیز از دست خواهد داد. او معتقد است اگرچه هدف غیرواقعی بینانهٔ خارج کردن ایران از سوریه از طریق گفت‌وگو به دلیل عدم وجود ظرفیت و ارادهٔ چنین کاری در آمریکا و روسیه امکان‌پذیر نیست، اما کاهش نفوذ ایران از طریق بهره‌برداری از رقابت ایرانیان کشور و روسیه و اعمال فشار بر روسیه برای جلوگیری از دستیابی ایران به امکانات بنادر سوریه و همچنین انتقال نیروهای ایران و حزب‌الله به جنوب بلندی‌های جولان امکان‌پذیر است (Indyk, 2017).

ج. کمک نظامی به مناطق خارج از کنترل حکومت و در نهایت حذف اسد: از نظر جان آلن و مایکل اوهانلن دو تن از نخبگان سیاسی و نظامی آمریکا کمک نظامی و اقتصادی به مناطقی از سوریه که خارج از کنترل اسد است، از جمله عناصری است که یک استراتژی امنیتی برای محدود کردن چالش ایران باید داشته باشد (Allen and O'Hanlon, 2017). پیشنهاد مارتین ایندیک این است که آمریکا باید از راه‌حلی سیاسی در سوریه حمایت کند که در نهایت منجر به رفتن اسد شود و در این راستا باید اصرار کند که یکی از ملزومات راه‌حل سیاسی، بیرون رفتن همهٔ نیروهای خارجی است. از نظر او چنین کاری مشروعیت درخواست خارج شدن نهایی ایران از سوریه را فراهم می‌کند (Indyk, 2017).



د. آسیب‌پذیری ایران در سوریه؛ افزایش هزینه‌ها و تضعیف اقتصاد: از نظر پولاک موفقیت تدریجی و فزاینده ائتلاف ایران/ اسد/ حزب‌الله/ روسیه برای ایران نوع جدیدی از آسیب‌پذیری ایجاد کرده است. ایران پول و خون زیادی در سوریه هزینه کرده است و برخی منابع هزینه جنگ سوریه را برای ایران حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار در سال برآورد کرده‌اند. از نظر او اقتصاد ضعیف ایران حتی با افزایش ملایم قیمت نفت نمی‌تواند این هزینه‌ها را به‌صورت نامحدود تحمل کند و این هزینه‌ها برای مردم ایران ناخوشایند است و یکی از عناصر تغذیه‌کننده اعتراضات در دی ماه ۱۳۹۶ بوده است. برای ایران از دست دادن سوریه ضربه‌ای سنگین به پرستیژ و اعتبار آن و در نتیجه توانایی آن برای جذب متحدان جدید وارد می‌کند. بنابراین او نتیجه می‌گیرد که اگر جنگ در سوریه ادامه یابد، ایران نسبت به حکومت سوریه متعهد باقی خواهد ماند و اگر این جنگ تشدید شود، ایران هزینه‌هایش را دو برابر خواهد کرد (Pollack, February 14, 2018).

ه. پیاده‌کردن استراتژی مجاهدین افغان در سوریه علیه ایران: پولاک معتقد است آمریکا باید از این وضعیت فوق‌الذکر استفاده کند و با حمایت از دشمنان، هزینه‌های ایران را بالا ببرد و با افزایش کمک‌های پنهانی به مخالفان سوری به‌منظور وارد کردن هزینه‌های جانی و مالی زیاد به ایران و حکومت سوریه از این تنگنای ایران بهره‌برداری کند؛ دقیقاً همان‌طور که آمریکا از مجاهدین افغان حمایت کرد تا خون نیروهای اتحاد جماهیر شوروی را در افغانستان بریزند (Pollack, February 14, 2018).

و. کردهای سوریه: پولاک استدلال می‌کند آمریکا باید ترکیه را متقاعد کند که حمله به کردها را متوقف کند و تنها راه انجام این کار این است که آنها را متقاعد کند که کردستان سوریه مستقل نخواهد شد. تنها راه کسب موافقت کردها با این قضیه نیز این است که آنها درجه زیادی از خودمختاری در یک نظام سیاسی جدید در سوریه داشته باشند. از نظر او بهترین کار این است که آمریکا به‌لحاظ دیپلماتیک از کردها علیه ترکیه و به‌لحاظ نظامی از آنها در مقابل حکومت سوریه و ایران پشتیبانی کند (Pollack, February 14, 2018).

ز. مخالفت با خروج نیروهای آمریکایی از سوریه: ترامپ در تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۱۹ (۱۵ مهر ۹۸) خواستار خروج نیروهای آمریکایی از سوریه شده و حتی بخشی از این نیروها نیز این کشور را تخلیه کرده بودند. این امر با مخالفت اندیشکده‌ها مواجه شد. مارک گرچت و مارک دابوویتز از کارشناسان بنیاد دفاع از دموکراسی با اعلام اینکه این تصمیم ترامپ به‌معنای فروپاشی تلاش‌های دولت آمریکا در مهار و کنترل ایران است می‌نویسند: برندگان این تصمیم شامل ایران، پوتین، بشار اسد، حزب‌الله لبنان، شیعیان رادیکال عراقی و

اردوغان هستند و در مقابل بازندگان عبارتند از: اسرائیل، اردن، سنی‌ها و کردهای عراق و سوریه، دولت‌های خلیج فارس و هرکسی که در مقابل حزب‌الله است (gerecht, December 24, 2018).

۸. عراق؛ قدرتی بازدارنده در برابر ایران

افتراقات شرایط عراق با سوریه سبب شد تا راهکارهای پیشنهادی اندیشکده‌ها نیز متفاوت باشد:

الف. حضور نظامی بلندمدت و تبدیل عراق به وزنه تعادل در برابر ایران: از نظر ایندیک به دلیل پیوندهای تاریخی - مذهبی، حذف نفوذ ایران در عراق غیرممکن و غیرضروری است. اما ایجاد یک وزنه تعادل در برابر نفوذ ایران امکان‌پذیر است. از نظر جان آلن و میشل اوهارنن تعهد به حفظ حضور نظامی در عراق برای دوره‌ای طولانی مدت و گسترش بسته حمایتی به این کشور، از جمله عناصری است که یک استراتژی امنیتی برای محدود کردن چالش ایران باید داشته باشد (Indyk, 2017). از نظر کنت پولاک، عراق تحت تسلط ایران، مسیری خطرناک برای نفوذ ایران به بقیه جهان عرب است. از نظر او این فرض گسترده در میان امریکایی‌ها که آنچه ایران می‌خواهد یک عراق بی‌ثبات است تا به راحتی بتواند بر آن مسلط شود، یک فرض اشتباه است و حداقل هدف قابل قبول برای ایران و بالاترین اولویت آن، یک عراق باثبات اما تحت تسلط شیعیان است که ایرانی‌ها انتظار دارند همیشه با آنها خوب باشد. از نظر پولاک یک عراق قوی عاملی کلیدی برای محدودیت نفوذ ایران است. بنابراین از نظر او راه حل برای کسانی که می‌خواهند نفوذ ایران را در عراق کاهش داده و حذف کنند، ایجاد یک عراق قوی و منسجم است که اعتماد به نفس داشته باشد و راه خروج را به ایران نشان دهد (Pollack, February 15, 2018).

ب. کمک‌های امنیتی، اقتصادی، دیپلماتیک و سیاسی: از نظر استراتژیست مؤسسه امریکن اینترپرایز، کمک امنیتی امریکا برای تقویت فرایند شکننده سیاسی در عراق که اکنون برای جلوگیری از وقوع یک جنگ داخلی دیگر به انسجام کشور نیازمند است بسیار حیاتی است. عراق برای بازسازی ارتش به تسلیحات امریکایی و غربی، تأمین، مشورت و آموزش نیاز دارد. آنچه بیشتر اهمیت دارد، حضور نظامی امریکا است که حدود ۱۰ هزار سرباز به مدت ۵ تا ۱۰ سال باشند تا تضمین شود که نیروهای امنیتی عراق غیرسیاسی باقی بمانند و تبدیل به شبه‌نظامیان نخست‌وزیر بعدی نشوند. از لحاظ اقتصادی، هزینه بازسازی بغداد را حدود ۱۰۰ میلیارد دلار تخمین می‌زند. نرخ بیکاری در عراق ۱۶ درصد و در بین جوانان ۳۳ درصد است. از نظر پولاک یک برنامه کمک اقتصادی از سوی امریکا با



۱ الی ۲ میلیارد دلار در سال به مدت ۵ سال عراق را تقویت خواهد کرد. به لحاظ دیپلماتیک بغداد نیازمند حل کردن بسیاری از مسائل با همسایگان خود است. پولاک می‌گوید: امریکا نباید اشتباه سال ۲۰۱۰ را که سبب آغاز حرکت عراق به سمت حکومت دینی و جنگ داخلی شد تکرار کند. در نهایت روابط عراق با جمعیت کرد خود باید قاعده‌مند شود و این هم بسیار سخت است به گونه‌ای که نیازمند یک میانجی و طرف سوم است (Pollack, February 15, 2018).

۹. یمن؛ لزوم حل فوری بحران

یمن یکی از حوزه‌هایی است که از دید این اندیشکده‌ها مقابله با نفوذ ایران در آنجا مهم است. تعیین دقیق عرصه‌هایی که نیاز به افزایش کمک نظامی امریکا و متحدانش دارد، مثل مقابله با دستگاه‌های انفجاری ابداعی، محاصره دریایی و شناسایی مراکز کنترل و فرماندهی؛ توسل به بهانه‌هایی مانند قاچاق تسلیحاتی و نقض قطعنامه‌های شورای امنیت از سوی ایران، و تلاش‌های سیاسی مخصوصاً از طریق عمان برای پایان آبرومندانه جنگ و فرار از هزینه‌های مالی و حیثیتی آن، از جمله سیاست‌های پیشنهادی این مؤسسات است. الف. پیشبرد فرایند صلح و راه‌حل سیاسی برای جنگ: ایندیک (بروکینگز) معتقد است یمن راهی آسان برای منحرف کردن توجه امریکا و متحدان منطقه‌ای توسط ایران از چالش‌های استراتژیک مهم‌تر در عراق و سوریه است و حل جنگ داخلی یمن، امکان تمرکز روی این چالش‌ها را فراهم می‌کند (Indyk, 2017). از نظر آلن و اوهانلن اکنون به یک استراتژی بهتری برای محدود کردن ایران نیاز است. امریکا باید اصرار کند که فرایند صلح در یمن پیش برود (Allen and O'Hanlon, 2017). از نظر کنت پولاک مشکل این است که جنگ داخلی یمن مدخلی را برای ایران فراهم کرده است تا از طریق آن به عربستان که متحد امریکا است ضربه بزند و تاکنون ایران در این زمینه موفق بوده است. طبق نظر پولاک پاسخ درست مسئله یمن با پایان دادن به آن شروع می‌شود (Pollack, February 13, 2018).

ب. افزایش کمک نظامی امریکا و متحدانش: مایکل نایتس عضو مؤسسه واشنگتن در ۱۷ آبان ۹۶ یک ماه قبل از کشته شدن علی عبدالله صالح در گزارشی سه راهکار برای مقابله با توسعه موشکی ایران در یمن ارائه می‌دهد: ۱. تسریع تلاش‌ها برای متلاشی کردن اتحاد صالح با حوثی‌ها ۲. تقویت و هوشمندسازی محاصره دریایی ۳. کمک به عربستان برای فایق آمدن بر تهدید موشک‌های بالستیک (Knights, November 8, 2017). نایتس در تحلیلی دیگر با عنوان: «از کار انداختن بمب‌های کنار جاده‌ای ایران در یمن» توصیه می‌کند که امریکا و سازمان ملل برای تسریع در پایان بخشیدن به جنگ باید فوراً از



تخصص و مستندات خود در مقابله با مهمات پیشرفته ایران در یمن استفاده کنند. بنابراین نیروهای ائتلاف عربی باید با به کارگیری فناوری امریکایی مقابله با دستگاه‌های انفجاری را سرعت ببخشند (Knights, March 26, 2018).

ج. جلوگیری از ورود تسلیحات ایرانی: مایکل نایتس معتقد است امریکا باید حمایت خود از ائتلاف عربی را گسترش دهد و اطلاعاتی فراهم کند که بتواند به آنها کمک کند سیستم‌های جدید موشک‌های زمین‌به‌هوا، مکان‌ها و مسیرهای کنترل و فرماندهی دفاع هوایی را شناسایی کنند. توصیه دیگر او این است که امریکا و متحدانش باید کمک به ائتلاف عربی را برای حفظ عملیات‌های ممانعتی شدید دریایی برای گرفتن تسلیحات قاچاق ایرانی با استفاده از لنج در سراسر ساحل یمن ادامه دهند (Knights, March 26, 2018). فرزین ندیمی و مایکل نایتس توصیه می‌کنند که امریکا باید با ائتلاف عربی برای افشای قاچاق موشک‌های زمین‌به‌هوا یا سیستم‌های جنگ الکترونیک توسط ایران همکاری کند (Nadimi and Knights, 2018). بهنام بن طالبو عضو بنیاد دفاع از دموکراسی نیز جلوگیری از انتقال سامانه‌های پیشرفته دفاع هوایی توسط ایران به یمن را یکی از دغدغه‌های بسیار مهم ذکر می‌کند (Ben Taleblu, 2017).

د. همکاری امنیتی با عمان: نیکول سالتر عضو بنیاد دفاع از دموکراسی در تحلیل سفر جیمز متیس وزیر دفاع وقت امریکا به عمان در ۲۰ اسفند ۹۶ می‌نویسد: انتقال نگرانی‌های امریکا درباره انتقال تسلیحات ایرانی از عمان به یمن و فشار به سلطان قابوس، برای انجام اقدامی قوی جهت مقابله با این کار مهم خواهد بود. از نظر او در این راستا همکاری امریکا و عمان برای نظارت بر آب‌های نزدیک استان ظفار و مسیرهای شناخته شده زمینی بسیار مهم است (Salter, 2018).

۱۰. عربستان؛ از رقابت تا خصومت

تداوم حملات عربستان به یمن و کشیده شدن این منازعه به سیاست‌های ایران و عربستان سبب شده است تا کارشناسان اندیشکده‌های امریکا "جنگ سرد ایران و عربستان" را مستقلاً مورد بررسی قرار داده و خواستار ورود امریکا به این جنگ سرد مبتنی بر منافع ضدایرانی به‌ویژه بین عربستان و رژیم صهیونیستی شوند. این موضوع پس از مورد-حمله قرار گرفتن تأسیسات نفتی عربستان در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ بسیار پررنگ‌تر شد. این حمله که به ایران نسبت داده شد، روابط این دو را وارد مرحله‌ای جدید یعنی از رقابت به خصومت نمود و با پیشنهادهایی از سوی اندیشکده‌ها همراه شد. این پیشنهادها عبارتند از: الف. دیپلماسی: آنتونی کوردزمن یکی از تحلیلگران نخبه نظامی طی مقاله‌ای در مورد انفجارهای تأسیسات نفتی عربستان می‌نویسد: حملات اخیر احتمالاً تنها اپیزود دیگری از



یک منطقه ابهام پایدار یا یک جنگ ترکیبی (سیاسی، نظامی، سایبری و...) بین ایران و آمریکا است. به‌زعم وی دیپلماسی، همچنان بهترین گزینه است؛ به‌شرط آنکه طرح و ابتکاری بادوام مطرح شود و متحدان اروپایی ما نیز با آن همدل باشند. ایران اگر با یک اقدام نظامی منسجم و مشترک بین آمریکا و متحدان عربش مواجه شود، بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود (Cordesman, September 24, 2019). دنیس راس یکی از مشاوران اوباما و هیلاری کلینتون چندین اقدام را در این رابطه پیشنهاد می‌دهد؛ نخست، ترامپ برای بازکردن ذخایر استراتژیک نفتی به‌میزان دست‌کم ۱۰۰ میلیون بشکه آماده باشد. دوم، وزیرخارجه باید فوراً تلاش کند تا اروپایی‌ها را مجاب کند که در صورت تکرار چنین حملاتی، تحریم‌ها را بار دیگر بر ایران اعمال کنند. سوم، ترامپ باید از طریق ولادیمیر پوتین پیغامی را به رهبر ایران برساند: اگر این حملات متوقف نشود، ما گام‌هایی نظامی برای متوقف‌ساختن آنها بر خواهیم داشت. چهارم، دولت ترامپ باید ابزارهای بیشتری را برای سدکردن چنین حملاتی در اختیار عربستان قرار دهد. در نهایت، لازم است که ایرانیان از عواقب اقداماتشان بترسند و راه انکار قابل‌قبولی برای آنها وجود نداشته باشد (Ross, September 16, 2019).

ب. اقدام نظامی: جیمز کارافانو یکی از نخبگان نظامی و از کارشناسان بنیاد هریج می‌نویسد: در حال حاضر دولت ترامپ صرف‌نظر از گزینه جنگ بایستی بر سه مأموریت اصلی متمرکز شود؛ نخست: کمپین فشار مالی علیه ایران را با هدف محرومیت ایران از پول نقد شدت بخشد. دوم، تنگه هرمز را با کمک ناوهای خود باز نگه دارد. در نهایت، جنگ با ایران، آخرین چیزی است که ترامپ می‌خواهد (Carafano, Sep 20th, 2019). به‌زعم فردریک کاگان از مؤسسه امریکن اینترپرایز، آمریکا بهتر است یک حمله نظامی هوایی در پاسخ به تأسیسات نفتی عربستان داشته باشد تا ایران را از افزایش اقدامات نظامی‌اش بازدارد. آغاز یک کمپین هوایی علیه اهداف سپاه پاسداران در سوریه یکی از این گزینه‌ها است (Kagan, September 25, 2019). مایکل رابین مشاور وزارت دفاع آمریکا نیز پنج هدف را برای پاسخ نظامی این کشور اعلام می‌کند: اول؛ ترمینال نفتی خارک: ترمینالی که از طریق آن بیش از ۹۰ درصد صادرات نفت ایران انجام می‌گیرد. دوم؛ پایگاه دریایی جاسک: جاسک شهر کوچکی که بزرگ‌ترین پایگاه زیردریایی‌های ایران است. سوم؛ پایگاه دریایی بندرعباس: بندرعباس که مقر بزرگ‌ترین پایگاه دریایی ایران است. چهارم، جزایر تنب و ابوموسی: ابوموسی پایگاهی برای سپاه پاسداران و ظاهراً انباری برای تسلیحات شیمیایی است. پنجم، جزیره فارسی: این جزیره هم میزبان پایگاه نظامی سپاه است (Rubin, September 19, 2019).

۱۱. لبنان؛ حیات خلوت ایران

چگونگی قطع ارتباط میان ایران و حزب‌الله همواره یکی از موضوعات مورد بحث اندیشکده‌ها بوده است:

الف. به‌چالش‌نکشیدن ایران در لبنان: از نظر پولاک نباید در لبنان حداقل اکنون و تا زمانی که موفقیت در دیگر حوزه‌ها به‌طور قابل‌توجهی نفوذ تهران را در لبنان کاهش ندهد، با ایران برخورد کرد؛ چراکه اکنون لبنان بسیار شکننده و تحت کنترل شدید حزب‌الله است. او می‌گوید به‌چالش‌کشیدن ایران یکی از این سه نتایج را به دنبال خواهد داشت: «ما می‌بازیم، ما لبنان را متلاشی می‌کنیم یا هر دو» (Pollack, February 13, 2018).

ب. مقابله با نقش منطقه‌ای حزب‌الله: «حنین غدار» کارشناس مؤسسه واشنگتن می‌نویسد: برای مقابله با حزب‌الله باید منطقه‌ای فکر کرد. از نظر او از سال ۲۰۰۶ حزب‌الله نفوذ خود را به‌طور قابل‌توجهی گسترش داده است و دیگر تنها یک گروه شبه‌نظامی لبنانی نیست و عمیقاً در منطقه و عمدتاً در سوریه و عراق و تا حدی در یمن درگیر شده است و قدرت خود را در درون نهادهای دولتی لبنان مستحکم کرده است. بنابراین طرح‌ها و سیاست‌هایی که هدفشان محدود کردن تهدید حزب‌الله در داخل و خارج از لبنان است - خواه از طریق ابزارهای نظامی یا دیپلماتیک - نباید نقش منطقه‌ای جدید این گروه را نادیده بگیرند (Ghaddar, 2017).

ج. ممانعت ایران از ایجاد حزب‌الله‌های بیشتر در سراسر غرب آسیا: افزایش تنش‌ها با ایران و نایبانش در منطقه خطرناک است. یاکوف آمیدرور با ذکر این جمله می‌نویسد: این مسئله به‌منزله هشدار است مبنی بر اینکه با استراتژی ایران برای آموزش‌دادن و مسلح کردن گروه‌های ترورش در خاورمیانه به‌اندازه کافی مقابله نشده است. بعد از جنگ سال ۲۰۰۶، حزب‌الله لبنان به‌لطف سرمایه‌گذاری ایرانی‌ها، هم به‌لحاظ نیروی انسانی و هم تسلیحاتی بسیار گسترده‌تر شده است و حالا حزب‌الله یک سازمان هیبریدی است. این موفقیت این هراس را به وجود آورده است که ایران همین کار را برای شبه‌نظامیان در یمن، سوریه و عراق انجام دهد. برخورد محتاطانه رژیم صهیونیستی نسبت به لبنان، حزب‌الله و ایران این اجازه را داد که اقداماتشان را گسترش بدهند؛ اما رویکرد تهاجمی‌تر نسبت به سوریه، مانع ورود آزادانه ایران شده است. قدرت‌های جهانی باید توجه کنند، آنچه که ایران از طریق حزب‌الله در لبنان به دست آورده، چشم‌انداز روشنی برای آینده مشخص کرده است که اگر جامعه جهانی در متوقف کردن ایران شکست بخورد، همین اتفاق در سال‌های آینده برای کل منطقه غرب آسیا رخ خواهد داد (Amidror, September 27, 2019).



مصادیق عملی سیاست اندیشکده‌ای دولت ترامپ

تأثیر اندیشکده‌ها بر سیاست خارجی ترامپ را در مصادیق عملی این سیاست‌ها می‌توان مشاهده کرد:

۱. از جمله مصادیق اجرایی پیشنهادات فوق، حمایت دولت امریکا از طرح به‌اصطلاح «تاتوی عربی» و اخیراً طرح مشابهی با عنوان: «ائتلاف استراتژیک خاورمیانه» است که هدف آن مقابله با گسترش نفوذ ایران در منطقه عنوان شده است (et all, 28 Bayoumy, July, 2018).

۲. حمایت ترامپ از تظاهرات دی ماه ۹۶ در ایران را می‌توان دلیلی بر همراهی و هم‌سویی او با پیشنهاد «پیگیری سیاست تغییر رژیم: ابزاری برای امتیازگیری» دانست. او در توییتی در حمایت از این تظاهرات نوشت: «باید برای مردم ایران که سعی می‌کنند حکومت فاسدشان را پس بزنند احترام قائل شد. شما در زمان مناسب حمایتی بزرگ از ایالات متحده خواهید دید» (Mindock, 3 January 2018). انتصاب جان بولتون که یک چهره ضدایرانی و شدیداً حامی سیاست تغییر رژیم در ایران بود به سمت مشاور امنیت ملی را نیز می‌توان در این راستا تفسیر کرد. قابل ذکر است که جان بولتون هشت‌ماه پیش از انتصاب به این پست در نشست با گروهک منافقین (مجاهدین خلق) به آنها گفته که دولت ترامپ باید از هدف اصلی یعنی تغییر رژیم استقبال کند و این گروه را به‌عنوان یک جایگزین قابل‌اعتماد به‌رسمیت بشناسد. او گفته است: «نتیجه بازنگری رئیس‌جمهور در سیاست امریکا باید این تصمیم باشد که انقلاب ۱۹۷۹ آیت‌الله خمینی تا چهل‌مین سالگرد خود دوام نیاورد.» او افزود: «سیاست اعلامی ایالات متحده باید سرنگونی رژیم ملاها در تهران باشد. رفتار و اهداف این رژیم بنای عوض شدن ندارد؛ بنابراین تنها راه‌حل، عوض کردن خود رژیم است» (March 24 2018, Mackey).

۳. دونالد ترامپ در توثیفات متعددی گفته است مزاحمت‌های نیروی دریایی ایران برای کشتی‌های جنگی امریکا در خلیج فارس در دولت او متوقف شده است. او با اشاره به تعداد رویارویی‌های خطرناک در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ به‌صفر رسیدن این تعداد را در سال ۲۰۱۸ تلویحاً نشان‌دهنده رویکرد جدی و قاطعانه نیروی دریایی امریکا در دولت خود می‌داند (Moore, July 8, 2018). البته قابل‌ذکر است که، مقامات ایران این کاهش برخوردهای خطرناک در خلیج فارس را ناشی از تبعیت کشتی‌های جنگی امریکا از قواعد حقوقی دانسته‌اند و عدم تبعیت از قواعد حقوقی را عامل این برخوردها در سال‌های قبل معرفی کرده‌اند.

۴. حملات موشکی آوریل ۲۰۱۸ به‌همراه انگلستان و فرانسه در پاسخ به حملات



شیمیایی ادعایی توسط سوریه علیه مخالفان، حمایت از نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF)، حمایت از حملات رژیم صهیونیستی به اهدافی در سوریه از جمله برخی مراکز حضور نیروهای ایرانی و مذاکرات ترامپ با پوتین در نشست هلسینکی در مورد حضور نیروهای ایران در سوریه را می‌توان از جمله مصادیق هم‌سو با پیشنهادات اندیشکده‌ها برای اجرای یک استراتژی عقب‌رانی علیه ایران در سوریه قلمداد کرد.

۵. اعلام ترامپ در خروج از توافق برجام در ۸ می ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۹۷) که به‌ویژه توسط کارشناسان بنیاد دفاع از دموکراسی توصیه می‌شد یکی از مهمترین مصادیق قابل‌اشاره می‌باشد. این اقدام، دیگر اعضای ۵+۱ را در برابر عمل انجام شده قرار داد. علاوه بر این در تاریخ ۸ آوریل ۲۰۱۹ (۱۹ فروردین ۹۸) دولت ترامپ، سپاه پاسداران را سازمانی تروریستی اعلام کرد که در پاسخ، مجلس شورای اسلامی نیز نیروهای نظامی حاضر در غرب آسیا موسوم به سنتکام را سازمانی تروریستی دانست. از دیگر پیشنهادات اندیشکده‌ها، تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بود که دولت امریکا در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۹ (۲۹ شهریور ۹۸) برای دومین بار بانک مذکور را در لیست تحریم‌های خود قرار داد. تهدید اروپایی‌ها به‌لزوم همراهی با امریکا و خروج شرکت‌هایشان از اروپا نیز از جمله پیشنهاداتی بوده که بعد از اعلام تحریم‌های این کشور، آنها عملاً ایران را ترک کرده و به فعالیت‌های خود در ایران پایان دادند.

۶. در راستای پیشنهاد ضرورت "اتحاد امریکا و اروپا برای افزایش تأثیرگذاری بر ایران" دولت امریکا به‌ویژه وزارت امور خارجه‌اش دیپلماسی گسترده‌ای را به‌کار گرفت تا اینکه اروپایی‌ها نیز با سیاست وقت‌کشی در موضوع اینستکس به درخواست واشنگتن پاسخ مثبت دادند. قطع خرید نفت اروپا از ایران و کاهش شدید مبادلات بازرگانی با ایران در پی تحریم‌های امریکا علیه دولت ایران، در این رابطه قابل اشاره است. به‌عنوان مثال: مبادلات بازرگانی ایران و آلمان در نیمه اول ۲۰۱۹ در مقایسه با سال پیش از آن ۵۰ درصد کاهش یافت (تجارت آلمان با ایران به‌دلیل تحریم‌های امریکا کاهش یافت (www.dw.com/fa-ir/51842557)).

۷. در ارتباط با سوریه با وجود اینکه ترامپ در تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۱۹ (۱۵ مهر ۹۸) خواستار خروج نیروهای امریکایی از سوریه شده بود و حتی بخشی از این نیروها نیز این کشور را تخلیه کرده بودند، اما بعد از مدتی با این بهانه که تعدادی از این نیروها برای حفاظت از چاه‌های نفتی در شرق سوریه باید باقی بمانند، در حقیقت می‌توان گفت عملیاتی‌شدن اصرار کارشناسان اندیشکده‌ها بر لزوم حضور نیروهای امریکا در سوریه را شاهد بودیم.



۸. توصیه‌اندیشکده‌ها در مسئله عراق، لزوم استقرار و تداوم حضور بلندمدت نیروهای آمریکایی بوده است. این توصیه را زمانی می‌توان مشاهده کرد که بعد از ترور سردار سلیمانی، مجلس عراق در ۱۵ دی ۹۸ خواستار خروج نیروهای بیگانه از عراق شد؛ اما دولت آمریکا بدون توجه به این امر و پس از تحمل ضربات متعدد از سوی گروه‌های مقاومت عراقی در مراکز نظامی متعددش در عراق، سرانجام نیروهای خود را در چند پایگاه بزرگ‌تر به‌ویژه عین‌الاسد متمرکز نمود و حتی این پایگاه‌ها را به سیستم‌های دفاع موشکی مجهز کرد و در مقابل خواسته عراقی‌ها مبنی بر خروج از این کشور مخالفت کرد.

۹. اقدام به حمله نظامی علیه ایران از جمله پیشنهادات اندیشکده‌ها در قبال ازکارافتادن نیمی از صادرات نفتی عربستان در پی حادثه ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ (۲۳ شهریور ۱۳۹۸) بوده است. در حقیقت ترور سردار سلیمانی در بغداد را باید پاسخ آمریکایی‌ها به چندین واقعه پیش از آن، از جمله حادثه ۱۴ سپتامبر عربستان دانست. با وجود آنکه ترور سردار سلیمانی در سال‌های گذشته توسط آمریکایی‌ها ممکن بود، اما انجام این ترور در موقعیت زمانی ۱۳ دی ۱۳۹۸ در حقیقت تلاش آمریکا برای پاسخ‌گویی به ایران و به‌زعم اندیشکده‌ها ایجاد بازدارندگی علیه ایران بوده است. پمپئو بعد از این ترور اعلام کرد حالا آمریکایی‌ها ایمن‌تر هستند و پنتاگون نیز این اقدام را عملی دفاعی برای بازدارندگی در مقابل حملات آینده ایران دانست (Miller, January 05, 2020).

نتیجه‌گیری

مؤسسات و اندیشکده‌های آمریکایی به‌عنوان بخشی از جامعه‌نخبگی آمریکا که مجموعه‌ای از نخبگان با سوابق پژوهشی و اجرایی در آن متمرکز شده‌اند و همچنین به‌عنوان نهادهایی که افکار عمومی داخلی این کشور را جهت‌دهی می‌کنند، تأثیر بسزایی در سیاست خارجی این کشور مخصوصاً در قبال مسائل و کشورهای غرب آسیا دارند. در این راستا می‌توان به انتصاب جان بولتون به‌عنوان مشاور امنیت ملی ترامپ برای مدتی و همچنین عضویت مارک دابوویتز یکی از کارشناسان مؤسسه اف.دی.دی در شورای امنیت ملی آمریکا اشاره کرد.

این مقاله درصدد بررسی سیاست‌ها و رویکردهای این اندیشکده‌ها و مراکز، برای مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای ایران و ارزیابی تأثیر آنها بر دولت ترامپ برآمد. نتیجه این بررسی و ارزیابی این است که ایجاد ائتلاف منسجم منطقه‌ای علیه ایران، پیگیری سیاست تغییر رژیم به‌عنوان ابزاری برای امتیازگیری، تشکیل یک اتحاد و جمع کردن قابلیت‌های متحدان در یک چهارچوب امنیتی - منطقه‌ای، جدیت به‌خرج‌دادن نیروی دریایی آمریکا در خلیج

فارس، پیشنهادهای خاص برای مقابله با ایران در هریک از کشورهای منطقه شامل سوریه، عراق، لبنان و یمن و در نهایت آماده‌شدن برای مذاکره دربارهٔ یک توافق هسته‌ای جامع پیشنهاداتی است که این مراکز برای مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای ایران به دولت امریکا ارائه کرده‌اند؛ که برخی از آنها به‌صورت‌های مختلف توسط دولت ترامپ پیگیری شده است. حمایت دولت امریکا از طرح به‌اصطلاح «ناتوی عربی» و طرح مشابهی با عنوان «ائتلاف استراتژیک خاورمیانه» که هدف آن مقابله با گسترش نفوذ ایران در منطقه عنوان شده است، هم‌سو با پیشنهاد اندیشکده‌ها برای تشکیل یک ائتلاف منطقه‌ای علیه ایران است. حمایت ترامپ از تظاهرات دی ماه ۹۶ در ایران و انتصاب جان بولتون که یک چهرهٔ ضدایرانی و شدیداً حامی سیاست تغییر رژیم در ایران بود، به‌سمت مشاور امنیت ملی را می‌توان دلیلی بر همراهی و هم‌سویی او با پیشنهاد برخی از این مراکز به استفاده از گزینهٔ تغییر رژیم به‌عنوان یک ابزار امتیازگیری دانست. در حملات موشکی آوریل ۲۰۱۸ (فروردین ۱۳۹۷) امریکا به‌همراه انگلستان و فرانسه در پاسخ به حملات شیمیایی ادعایی توسط سوریه علیه مخالفان، حمایت از نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF)، حمایت از حملات رژیم صهیونیستی به اهدافی در سوریه از جمله برخی مراکز حضور نیروهای ایرانی و مذاکرات ترامپ با پوتین در نشست هلسینکی در مورد حضور نیروهای ایران در سوریه از جمله هم‌سویی‌های سیاست ترامپ با پیشنهادهای اندیشکده‌ها برای مقابله با ایران در سوریه است.

عمدهٔ پیشنهادهای نویسندگان فوق‌الذکر در اندیشکده‌های امریکایی، با هدف مهار و کنترل ایران، تنظیم و ارائه شده است. به‌بیان دیگر، راهبرد تغییر نظام ایران محدود به نویسندگانی در چند اندیشکدهٔ تندرو همچون بنیاد دفاع از دموکراسی، مؤسسهٔ واشنگتن، جینسا و امریکن اینترپرایز می‌شود. البته در این مراکز نیز بخشی از اهداف طرح تغییر نظام معطوف به کسب امتیازات بیشتر از ایران است.

منابع

- حسینی متین، سید مهدی (۱۳۹۱)، **رویارویی آمریکا با ایران پس از جنگ سرد**، تهران: مؤسسهٔ فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- دویچه وله، **تجارت آلمان با ایران به‌دلیل تحریم‌های آمریکا کاهش یافت**، به نقل از: <https://www.dw.com/fa-ir/51842557>
- فتاحی، سجاد، قاسمی، روح‌الله، فکری، محمد، اینانلو، مینا (۱۳۹۸)، **ساختار و کارکرد اندیشکده‌ها**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.



- عبدالله‌خانی، علی، کاردان، عباس (۱۳۹۰)، رویکردها و طرح‌های آمریکایی درباره ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- هرسیج، حسین (۱۳۸۱)، تجزیه و تحلیل و ارزیابی سیاست مهار دوجانبه، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی آمریکاشناسی، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- Aaron, David Miller, (January 05, 2020), Where's the Strategy?
 - At: <https://carnegieendowment.org/2020/01/05/where-s-strategy-pub-80700>
- Adesnik, David and Saeed Ghasseminejad (September 10, 2018) Foreign Investment in Iran: Multinational Firms' Compliance with U.S. Sanctions.
 - At: https://www.fdd.org/wp-content/uploads/2018/09/MEMO_CompaniesinIran.pdf.
- Adesnik, David (September 27, 2018) Iranian Tankers Hide Location Ahead of Implimenting Sanctions
 - At: <https://www.fdd.org/analysis/2018/09/27/iranian-tankers-hide-locations-ahead-of-impending-sanctions/>.
- Allen, John R. and Michael E. O'Hanlon. A blueprint for minimizing Iran's influence in the Middle East, Monday, (October 23, 2017).
 At: <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2017/10/23/a-blueprint-for-minimizing-irans-influence-in-the-middle-east>.
- Amidror, Yaakov, (September 27, 2019), Preventing Iran From Creating More Hezbollahs Across the Middle East, Jinsa, At: <https://jinsa.org/the-time-to-counter-iran-and-its-proxies-was-yesterday/>
- Bayoumy, Yara; Jonathan Landay and Warren Strobel. (July 28, 2018) Trump seeks to revive 'Arab NATO' to confront Iran. At: <https://www.reuters.com/article/us-usa-gulf-alliance/trump-seeks-to-revive-arab-nato-to-confront-iran-idUSKBN1KH2IK>.
- Ben Taleblu, Behnam. (5 December 2017) Analysis: Reported link between Houthi and Iranian ballistic missiles, FDD's Long War Journal. At: <http://www.defenddemocracy.org/media-hit/behnam-ben-taleblu-analysis-reported-link-between-houthi-and-iranian-ballistic-missiles/>.
- Carafano, James Jay, (Sep 20th, 2019), What Trump Can Do About Iran's Saudi Attack, Heritage Foundation, At: <https://www.heritage.org/middle-east/commentary/what-trump-can-do-about-irans-saudi-attack>.
- Cordesman, Anthony H. (September 24, 2019), American Bluster and Blunders Have Made Iran its Fourth Long War, At: <https://www.csis.org/analysis/american-bluster-and-blunders-have-made-iran-its-fourth-long-war>.
- Cordesman, Anthony H. (March 16, 2009) Study on a Possible Israeli Strike on Iran's Nuclear Development Facilities, at: <https://www.csis.org/analysis/study-possible-israeli-strike-irans-nuclear-development-facilities>.

– CRISISGROUP (5 NOVEMBER 2019), U.S. Maximum Pressure Meets Iranian Maximum Pressure, at:<https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/gulf-and-arabian-peninsula/iran/us-maximum-pressure-meets-iranian-maximum-pressure>.

– Dubowitz, Mark (September 26, 2017) How Trump Can Improve the Iran Deal

– At:<https://www.fdd.org/analysis/2017/09/26/how-trump-can-improve-the-iran-deal/>.

– Edelman, Eric and General Charles Wald. Countering Iranian Expansion in Syria, JINSA's Gemunder Center Iran Task Force, (November 20, 2017). At:<http://www.jinsa.org/publications/countering-iranian-expansion-syria>.

– Edelman, Eric and General Charles Wald. (July 12, 2017) Strategy to Restore U.S. Leverage Against Iran, JINSA's Gemunder Center Iran Task Force. At: <http://www.jinsa.org/publications/strategy-restore-us-leverage-against-iran>.

– Eisenstadt, Michael, (January 2018), Regional Pushback, Nuclear Rollback: A Comprehensive Strategy for an Iran in Turmoil At:<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/regional-pushback-nuclear-rollback-a-comprehensive-strategy-for-an-iran-in>.

– Eisenstadt, Michael, (September 18, 2019), Operating in the 'Gray Zone' to Counter Iran, Washington Institute, At:<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/operating-in-the-gray-zone-to-counter-iran>.

– Einhorn, Robert and Richard Nephew (2019), Constraining Iran's Future Nuclear Capabilities: Foreign Policy at Brookings, Available At: https://www.brookings.edu/wpcontent/uploads/2019/03/FP_20190321_nuclear_capabilities_WEB.pdf.

– Evental Udi (jul, 2, 2020), How to fix the "maximum pressure" campaign on Iran, at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/how-to-fix-the-maximum-pressure-campaign-on-iran/>.

– Ghaddar, Hanin. To Stop the New Hezbollah, Think Regionally, Washington Institute, (May, 24, 2017) At: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/to-stop-the-new-hezbollah-think-regionally>.

– Ghasseminejad, saeed (September, 26, 2018) Reports of Corruption Reinforce Case for Iran Sanctions At: <https://www.fdd.org/analysis/2018/09/26/reports-of-corruption-reinforce-case-for-iran-sanctions/>.

– Gerecht, Reuel Marc (June, 11, 2018) Don't Fear Regime Change in Iran At: <https://www.fdd.org/analysis/2018/06/12/dont-fear-regime-change-in-iran/>.



–Gerecht, Reuel Marc (Dec, 12, 2018) Tehran Counts on a Divided West At: <https://www.wsj.com/articles/tehran-counts-on-a-divided-west-11544656888>.

–Gerecht, Reuel Marc Mark Dubowitz (Desember 24, 2018) Trump Delivers a Victory to Iran At: <https://www.theatlantic.com/ideas/archive/2018/12/us-withdrawal-syria-hands-victory-iran/578962/>.

–Golstone, Jack A (OCT10, 2019), don't expect regime change in iran, <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/dont-expect-regime-change-in-iran/>.

–Indyk, Martin. (March, 28, 2017) U.S. strategy toward Iran. At: <https://www.brookings.edu/testimonies/u-s-strategy-toward-iran>.

–Intelligencesquaredus (March, 4, 2020), The Maximum Pressure Campaign Against Iran Is Working at: <https://www.intelligencesquaredus.org/debates/maximum-pressure-campaign-against-iran-working>.

–Kagan, Frederick W (September, 25, 2019), Attribution, Intent, and Response in the Abqaiq Attack, Jinsa, At:<https://www.criticalthreats.org/analysis/attribution-intent-and-response-in-the-abqaiq-attack>.

–kahn, Tzvi (September 15, 2018) the US should sanction irans key slush fund and its brutal custodian At: <https://www.fdd.org/analysis/2018/09/15/the-u-s-should-sanction-irans-key-slush-fund-and-its-brutal-custodian/>.

–kahn, Tzvi (August 9, 2018) Censorship and Sanctions: Should the US Sanction Iran's Minister of Culture? At: <https://providencemag.com/2018/08/ministry-culture-islamic-guidance-mcig-us-sanction-iran-minister-culture-abbas-salehi/>.

–Knights, Michael. Countering Iran's Missile Proliferation in Yemen, Washington Institute, (November 8, 2017). at: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/countering-irans-missile-proliferation-in-yemen>.

–Knights, Michael. Defeating Iran's Roadside Bombs in Yemen, Washington Institute, (March, 26, 2018). At:<http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/defeating-irans-roadside-bombs-in-yemen>.

–Knights, Michael. Supporting the New Gulf Effort to Ease Yemen's Humanitarian Crisis, Washington Institute, (February, 5, 2018). at: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/supporting-the-new-gulf-effort-to-ease-yemens-humanitarian-crisis>.

–Lindsay, James M. Lindsay (November, 12, 2019), The President's Inbox: Should the United States Maintain Maximum Pressure on Iran?, at,<https://www.cfr.org/blog/presidents-inbox-should-united-states-maintain-maximum-pressure-iran?>

– Mackey, Robert (March, 24 ,2018), Here's John Bolton Promising Regime Change in Iran by the End of 2018. At: <https://theintercept.com/2018/03/23/heres-john-bolton-promising-regime-change-iran-end-2018/>.

– Maloney, Suzanne, (September, 2017) The Roots and Evolution of Iran's Regional Strategy, Atlantic Council, at: <https://www.atlanticcouncil.org/publications/issue-briefs/the-roots-drivers-and-evolution-of-iran-s-regional-strategy>.

– Mindock, Clark. (3, January, 2018) Donald Trump says Iranian protesters will see 'great support' from US, At: <https://www.independent.co.uk/news/world/americas/us-politics/donald-trump-iran-protests-us-support-twitter-hassan-rouhani-iranians-corruption-terrorism-a8139836.html>.

– MODELL, SCOTT (7/1/20) The U.S. Should Adopt a Regime Change Strategy for Iran, at: <https://www.newsweek.com/us-should-adopt-regime-change-strategy-iran-opinion-1514824>.

– Moore, Mark (July, 8, 2018), Trump says harassment of US ships by Iran has ended. At: <https://nypost.com/2018/07/08/trump-says-harassment-of-us-ships-by-iran-has-ended/>.

– Nadimi, Farzin and Michael Knights, (April, 4, 2018) Iran's Support to Houthi Air Defenses in Yemen, Washington Institute, at: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/irans-support-to-houthi-air-defenses-in-yemen>.

– Pollack, Kenneth, (February, 20, 2018) Pushing back on Iran, part 6: Pondering regime change, American Enterprise Institute, at: <http://www.aei.org/publication/pushing-back-on-iran-part-6-pondering-regime-change/>.

– Pollack, Kenneth. (February 13, 2018) Pushing back on Iran, part 2: An overview of the strategy, American Enterprise Institute, at: <http://www.aei.org/publication/pushing-back-on-iran-part-2-an-overview-of-the-strategy>.

– Pollack, Kenneth, (February, 14, 2018), Pushing back on Iran, part 3: The Syrian civil war, American Enterprise Institute, at: <http://www.aei.org/publication/pushing-back-on-iran-part-3-the-syrian-civil-war/>.

– Pollack, Kenneth, (February, 15, 2018), Pushing back on Iran, part 4: The struggle for Iraq, American Enterprise Institute, at: <http://www.aei.org/publication/pushing-back-on-iran-part-4-the-struggle-for-iraq/>.

– Salter, Nicole, (March, 12, 2018), Oman Needs to Prevent Iranian Weapons Shipments to Houthis, FDD Policy Brief, at: <http://www.defenddemocracy.org/media-hit/nicole-salter-oman-needs-to-prevent-iranian-weapons-shipments-to-houthis/>.



– Ross, Dennis, (September, 16, 2019), Trump Must React to the Attacks on Saudi Arabia. But a Quick Fix Won't Be Enough, Washington Institute, At:<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/trump-must-react-to-the-attacks-on-saudi-arabia.-but-a-quick-fix-wont-be-en>.

– Rubin, Michael, (September, 19, 2019), Military strikes on Iran? Here are 5 possible targets, American Enterprise Institute, At:<https://www.aei.org/op-eds/military-strikes-on-iran-here-are-5-possible-targets/>.

– Walsh, David (feb, 12, 2020), The 'maximum pressure' campaign undermines Trump's national security strategy, at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/the-maximum-pressure-campaign-undermines-trumps-national-security-strategy/>.